

# ماہنامہ گھارتیک اندیشیک کردارنیک زرتشتیان

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

شماره: ۱۶- پاییز ۳۷۴۸ زرتشتی ۱۳۸۹ خورشیدی ۲۰۱۰ ترسای

The zoroastrian Journal



- جشن مهرگان
- استاد دکتر جلیل دوستخواه
- سرو درخت مهر
- تندیس کوروش بزرگ
- مانی و مزدک
- زنده یاد موبد رستم شهزادی
- رویدادهای گوناگون

گفتگو با دکتر نیاز کسروی

زرتشتیان



ماهنامه

فرهنگی، دینی، خبری، اجتماعی، پژوهشی و ادبی

افسانه یغمایی

از امرداد

## ایران من، ایمان من

ای آتش سوزنده که در جان من هستی  
 خاموش مگردی که تو ایران من هستی  
 وین شعله ی افروخته ز آتشکده دل  
 جاوید بمان که تو آرام من هستی  
 آرام من آری، تویی، ای خاک گران سنگ  
 کاز صبح خزر تا شب عمان من هستی  
 از جان خروشان ارس تا لب کارون  
 از شوش کهن تا دل مکران من هستی  
 ای فارس خلیجی که تویی زاده ز ایران  
 فرزند وطن همچو مریوان من هستی  
 آن وسعت پاکیزه و سرشار کویری  
 این کوچکی خانه و ایوان من هستی  
 ای هستی من ذره یی از خاک عزیزت  
 تنها به ماهیت و عنوان من هستی  
 کان رود عظیمی که روانی به تن من  
 سرچشمه این چشمه جوشان من هستی  
 استوره و افسانه و سرو و سروری  
 شعرو سخنی، جذبه عرفان من هستی  
 در هنری در صدف سینه شیراز  
 اندیشه ولای خراسان من هستی  
 تو کوروشی و نادری و خسرو و دارا  
 تو سام یلی، رستم داستان من هستی  
 در نامه شاهان تو در خود نگرانم  
 آینه بیداری وجدان من هستی  
 از ترک و عرب آنچه به آزار تو آمد  
 جان مایه غم گشت و در ارکان من هستی  
 شایسته نبودم که کنم جان به فدایت  
 با آن که تو جان من و جانان من هستی  
 در حد این است که در پای تو ریزم  
 این در دری را که در امکان من هستی

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما درخواست می کند که  
 نوشتارها، فرتورها (عکس) و پیشنهادهای خود را به  
 نشانی

cninfo@czcjournal.org

برای نشریه مرکز بفرستید. نوشتارها و فرتورهای  
 برگزیده با نام فرستنده چاپ خواهد شد.

در تارنمای

www.czcjournal.org

میتوانید نشریه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را ببینید.

## درخواست یارانه پولی

از کسانی که خواهان پرورش و گسترش ماهنامه ی زرتشتیان کالیفرنیا  
 در زمینه های فزونی شماره، افزایش برگ ها و به سازی نوشتار هستند  
 و توان دادن یاری های پولی دارند، خواهشمندیم

چک های یارانه ی خود را به نشانی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

8952 Hazard Ave.

Westminster, CA 92683

بفرستند و یا به یکی از شعبه های بانک «چیس» رفته،

یارانه ی خود را به شماره حساب ۶-۳۳۴۶۷۵-۴۲۱ بریزند

California Zoroastrian Center

Zoroastrian Journal

Chase Bank

Account #421-334675-6

مهر افزون - مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

- پاییز ۳۷۴۸ دینی زرتشتی، برابر ۱۳۸۹ خورشیدی و برابر با ۲۰۱۰ ترسای
- شماره ۱۶
- شمار (تعداد) ۵ هزار تا
- زیر نگر: گروه انتشار مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و انجمن مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
- زمان انتشار: هر سه ماه یک بار
- رایانه: رامین شهریاری
- طراحی و گرافیک: رکسانا کاوسی
- چاپ: LA WEB PRESS
- پخش از: واهیک آبرکاریان
- همکاران گروه انتشار: شهرزاد اش، موبد بهرام دبو، دکتر نیاز کسروی، نسرين اردیبهشتی، دکتر زرتشت آزادی، مهرداد ماندگاری، موبد دکتر رستم وحیدی، اورنگ دمهری
- دیگر همکاران که ما را در این شماره یاری داده اند: شاهین سپینتا، هوشنگ مهرخاوندی، دکتر برزو نجمی، اردشیر باغخانیان، رویا والتمن، خداداد خدابخشی، دکتر مهر میرآبادی، بانو توران بهرامی (شهریاری)، فرید شولیزاده، دکتر ناصر انقطاع، هومر آبرامیان، افسانه یغمایی، فرینام کسروی
- ماهنامه زرتشتیان وابسته به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از همه نویسندگان نوشتار می پذیرد.
- با سپاس از هفته نامه امرداد، سایت oshihan.org موبد کورش نیکنام نوشتارها می بایست با خط خوانا نوشته شده باشند.
- گروه انتشار در ویرایش و کوتاه کردن نوشته ها آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی شوند.
- نگرها و پیشنهادهای نویسندگان در نوشته ها رأی و نگر ماهنامه زرتشتیان و یا مرکز زرتشتیان نمی باشند.

۷۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷

تلفن و آدرس دفتر ماهنامه

8952 Hazard Ave.

Westminster, CA 92683

۷۱۴-۸۹۴-۹۵۷۷

فکس:

Email: info@czcjournal.org

## سفن نفست \_\_\_\_\_ از نسرين اردیبهشتی

بروز وقایع چندین سال اخیر در ایران سبب مهاجرت اجباری گروهی از ایرانیان بویژه اقلیت های مذهبی به خارج از ایران شده است که هنوز هم بعد از سی سال همچنان ادامه دارد. زرتشتیان ایرانی هم از این گروه جدا نیستند همچنان که ما هر روز شاهد آمدن چهره های جدید پیرو جوان در اطرافمان هستیم که در جستجوی زندگی بهتر آن سرزمین اهورایی را که مام فرهنگ و آیین ایرانی است را ترک کرده و به دیاری نا آشنا پای می گذارند که خود انبوهی از فرهنگهای گوناگون و ادیان مختلف را در میان دارد.

آیا تاثیر این جابجایی بر فرهنگ و آیین ما چیست؟ آیا ما ایرانیان مهاجر بویژه زرتشتیان که آیین شان اساس فرهنگ ایرانی را نهاده است چگونه می توانند در مقابل نفوذ فرهنگ بیگانه مقاومت کرده و استقامت نشان دهند؟ آیا چگونه می توان خردسالانی را که هنوز آیین و فرهنگ مادریشان در وجودشان حک نشده است را از تاثیر فرهنگ بیگانه بدور داشت. آیا جوانان را چگونه میتوان در دنبال کردن و پایداری آیین ما دریشان کمک و یاری کرد تا هویت خود را حفظ کرده تا به دام زرق و برق های فرهنگ بیگانه نیفتند و از همه مهمتر آیا با مهاجرت ما بر فرهنگ و آیین مان در دیار مادریمان چه خواهد آمد و چه کسی مسئول و نگهبان آن آتش و فروغ چندین هزار ساله خواهد بود؟

تجربه نشان داده است که بیشتر فرزندان پیرو رفتار و کردار پدران و مادران خود هستند. آموزش آئین و فرهنگ یکی از کردارهای بایسته است که ما زرتشتیان به فراگیری آن در خانه و کاشانه خود باور داریم و به آن عمل میکنیم. اجرای مراسم فرهنگی و دینی و سخن گفتن درباره آنان حتی اگر به طور مستقیم به فرزندان هم نباشد در نهایت در رفتار و کردار آنان تاثیر خواهد گذاشت و آنان را دنباله روی پدران و مادران خواهد کرد. پس باید بکشیم که برای فرزندان خود نمونه خوبی در پیروی دین و فرهنگ خود باشیم.

بی شک گردهمایی های اجتماعی برای کودکان و جوانان در زمینه ورزش و موسیقی که بیشتر با روح و جسم آنان موافقت دارد می تواند یکی از بهترین روش های موفق در تشویق و آشنایی آنان به فرهنگ خودی باشد. باشد که با کوشش پدران و مادران و کمک مسئولان امر در این کار مهم پیروز و موفق باشیم.

ایدون باد

جشن مهرگان یک جشن باستانی ایرانی و زرتشتی است که پیش از دین زرتشت نیز در ایران باستان برگزار می شده است و به سبب آنکه درون مایه این جشن بر پایه سپاسمندی از ایزد یکتا و طبیعت و فرآورده های فراوان آن بوده است و این مراسم با شادی سازنده



برای همگان همراه می بوده، در دین زرتشت نیز وارد و پذیرفته شده است. آیین ایرانی مهر در فرهنگ یونانی و هلینک روم نیز وارد شده است و به نام میترا شناخته می شود. تا پیش از پیدایش مذهب ترسائی (عیسوی) پرستش میترا در یونان و روم و دیگر کشور های زیر نفوذ امپراطوری روم رواج کامل داشته است. مهر یا میترا برای یونانی ها و رومی ها خدای نور، خدای ضد تاریکی و خدای راستی مطلق و عهد و پیمان بوده است.

جشن مهرگان در ایران برای بزرگداشت مهریزتا (فرشته) که پاس دارنده پیمان ها، برقرار کننده دوستی ها و بوجود آورنده احساس و عشق پاک به دیگران است، برگزار می شود. به همین خاطر است که در مراسم پیوند زندگی همسران نیز به گواهی مهر و سایر امشاسپندان مراسم گواه گیری (ازدواج) را آغاز و برگزار می کنند.

جشن مهرگان پس از برداشت فرآورده های کشاورزی با جشن خوانی موبد ها و شادمانی دهقانان، همراه با سایر مردم به پاس برداشت محصولات کشاورزی و روزی فراوانی که اهورامزدا به آنها ارزانی داشته است، برگزار می شود. این مراسم شاید نخستین جشن شکرگزاری باشد که در زمان باستان توسط قوم آریائی ایران به جهان آن روز عرضه شده است. اهمیت برگزاری جشن مهرگان در ایران باستان کمتر از جشن نوروز جمشیدی نبوده است چون مردم ایران در آن زمان بیشتر به کار کشاورزی و دام پروری اشتغال داشتند. گاو ورزا که برای شخم زدن زمین بسیار پر اهمیت بود، در آیین مهر به آن بسیار ارزش داده شده است. شروع جشن مهرگان همراه با چند روز تعطیلی از کارهای روزانه کشاورزی و برای برگزاری مراسم با شکوه در حضور پادشاهان و سران کشور

و به موازات آن از سنت ها و جشن ها و دین خود آزادانه صحبت کنند و آنها را به سایر ایرانیان ایران دوست با چاپ کتابهای متنوع بازنشاسی و معرفی کنند. هر نوع جلوگیری که از طرف سردمداران به یک گروه به نام اقلیت اعمال شود، یک اثر منفی بر تمام جامعه خواهد گذاشت. امروزه با امکانات ارتباط جمعی که در سطح گیتی بوجود آمده است، زرتشتیان دنیا بیشتر با یکدیگر در تماس می باشند و غیر زرتشتیان علاقه مند ایرانی نیز با علاقه بسیار زیاد به آموختن فلسفه دین زرتشت، علاقه نشان می دهند و در بیشتر جشن های زرتشتی در شهر های ایران در کنار خواهران و برادران زرتشتی خود مانند جشن سده شرکت می کنند، تا از نزدیک به این دین بهی و سنت های انسانی آن آشنا بشوند. جشن مهرگان بر همه ایرانیان و ایران دوستان جهان خجسته باد.

همراه بوده است. در سالنمای زرتشتیان ایران، هر روز نامی دارد و یکی شدن نام ماه و روز بنا بر یک سنت زیبای دیرینه که سنتی شادی افزا است، آن روز را زرتشتیان ایران و غیر زرتشتیان که به اصالت تاریخ کشور و مردم خود علاقه مند و آگاه هستند، نیز جشن می گیرند. برگزاری جشن مهرگان روزی است که نام ماه مهر و نام روز مهر ماه (مهر روز) با یکدیگر یکی می شوند و آن روز پس از آغاز سال نو یا نوروز جمشیدی می باشد.

پس از یورش تازیان و پراکنده شدن زرتشتی ها از ایران به طرف هندوستان، نظم و ترتیب نگاهداری و شمارش ها با محاسبات گاهشماری زرتشتیان دچار تغییرات ناخواسته شد. زرتشتیان ایران از تقویم های فصلی و باستانی پیروی می کنند که با تقویم گریگورین (سال کیبسه) مطابقت می کند و همیشه جشن مهرگان در دهم مهر ماه در روز مهر، برابر با دوم ماه اکتبر ترسائی می باشد. در تقویم های شاهنشاهی و تقویم قدیمی تاریخ برگزاری جشن مهرگان به خاطر عدم گاهشماری دقیق روزها و ساعت های آخر هر سال پس از مهاجرت زرتشتیان به هندوستان برای چندین سده در تاریخ های متفاوت از دهم مهرماه برگزار می شد. فراز و نشیب های تاریخی از گذشته تاکنون:

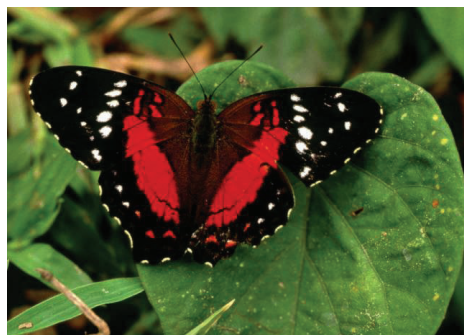
برگزاری جشن مهرگان پس از یورش تازیان به ایران در اثر سخت گیری های دست نشانندگان عرب و ایرانیان عرب زده و عرب نما که می خواستند که اربابان عرب خود را خوشحال کنند و به جاه و مقام دست یابند با دشواری های بسیار روبرو شد و هر چند دهه یا سده فردی ایران دوست در یکی از حکومت ها ظاهر می گردید و به سنت های ایرانی اهمیت می داد و جشن های ایرانی را دوباره برگزار می نمود ولی با درگذشت اینگونه اشخاص علاقه مند تضمینی وجود نداشت که این سنت ها ادامه پیدا کند، خاصه آنکه پس از یورش اعراب تا آخر دوره قاجاریه، زرتشتیان پیوسته به عناوین گوناگون مورد ستم و محدودیت های غیر انسانی و ضد حقوقی قرار می گرفتند. زرتشتیان در این دوره یک هزار و سیصد ساله تا زمان قاجاریه، مراسم دینی و جشن های خود را در خفا و با حضور فقط همکیشان خود بیشتر در خانه های خود برگزار می کردند و آیین بهی را زنده نگه داشتند. از شروع دوره خاندان پهلوی بود که زرتشتیان ایران توانستند آزادانه و در بین مردم زندگی کنند و استعداد های ذاتی و نهفته آنها به کار گرفته شود و به پیشرفت های فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دست یابند

## مهر و مهرگان

سروده توران شهریاری (بهرامی)

مهر با هر کسی مهربانست  
مژده دوستان مهرگانست  
جشن فرخنده مهرگانست  
مهرروز و مه فرخ مهر  
فروشیدش کران تا کرانست  
گرمی و پاکی و شادی از اوست  
یک جهان شور هستی نهانست  
در دل گرم هر ذره از مهر  
شوربخش زمین و زمانست  
نور بخشد به گیتی و مینو  
این جهان چون تن و او روانست  
مایه زندگانی و هستی  
فرو فرمندی جاودانست  
ایزد مهر در دین زرتشت  
شرح بخشی از این داستانست  
"مهر پشت" دلاویز و زیبا  
چون دل گرم عالم در آنست  
مهر فرمند را می ستائیم  
در همین روز با فر و شانست  
زایش "مشیه" و "مشیانه"  
فرو شادی ز چهرش عیانست  
جشن پایان محصول و برداشت  
گرچه آغاز فصل خزانست  
صد بهاران در آن می توان دید  
زودتر از زمان کیانست  
سال عمرش نیاید به گفتار  
حامی پرچم کاویانست  
کاوه را او توان داد و نیرو  
چونکه او شاه مهر آرمانست  
چیره شد زان فریدون به ضحاک  
مهر با عاشقان همزیانست  
عشق و مهر ند همزاد دیرین  
دوستی را بهین پشتبانست  
دشمن رشک و کین و تباهی  
نیک کردار از او در امانست  
داور مردمان در پس از مرگ  
بی وفایی به جانش گرانست  
راه و رسم وفاداری از اوست  
حلقه مهر خورشید سانست  
این نگهدار پیمان نمادش  
برتر از گوهر شایگانست  
بهر هر همسری حلقه مهر  
زیب دست همه همسرانست  
زین سبب حلقه مهرورزی  
در گستن شکست و زیانست  
تا دو همسر به هم مهر ورزند  
پیک دلها و پیوند جانست  
مهر از آغاز بنیاد هستی  
خوی دیرین ایرانیانست  
مهر ورزیدن و شاد بودن  
مهر آیین پیر مغانست  
افرین خدا باد بر مهر  
کز تعالیم مهری نشانست  
هفت گام است در مکتب مهر  
قبله گاه همه عارفانست  
برترین حد پالایش روح

## پیام زرتشت پیامی جهانی



بیاید پارسی بگویم:

- وسط: میان
- حرفه: پیشه
- شجاع: دلیر
- حیوان: جانور
- حفره: گودال، چاله
- متخصص: کارشناس
- شایع: پراکنده

## گفتگو با دکتر نیاز کسروی

از نسرين اردیبهشتی

## میهنی‌ترین سرود ایران ۶۶ ساله شد

از شاهین آریامنش

تا کنون ترانه‌ها، سروده‌ها و آهنگهای بسیاری درباره میهنمان خوانده و نواخته شده است. اما هیچکدام را همچون سرود «ای ایران» نبوده است. ۶۶ سال پیش در مهر ماه ۱۳۲۳ خورشیدی در دبستان نظامی تهران (دانشکده افسری کنونی) سرودی خوانده شد که میهنی‌ترین، دلنوازترین و شورانگیزترین سرود میهنی شد بی حرمتی نیروهای بیگانه درگیر جنگ جهانی دوم که در پی خیانت برخی از نیروهای نظامی ایران را اشغال کرده بودند. با مردم کشورمان انگیزه‌ای شد برای «حسین گل گلاب» تا با مهری که برای میهنش پیشه ساخته بود چامه «ای ایران» را بسراید و سپس با همکاری روح الله خالقی و غلام حسین بنان سرودی پدید آمد، نیک و دل‌ریا، سرودی که هر ایرانی با شنیدن آن برانگیخته و آماده فداکاری و جانفشانی برای میهن ورجاوند و اهورایی می‌شود. گلاب در سال ۱۳۷۶ خورشیدی زاده شد و دکترای علوم را از دانشگاه تهران گرفته و ۳ سال به آموزش دانشجویان پرداخت یار دیرین او روح الله خالقی نیز در سال ۱۳۸۵ خورشیدی در کرمان زاده شد و وی که دانش آموخته زبان و ادبیات پارسی از دانشگاه تهران بود، موسیقی را نزد علیقلی وزیری آموخت و او به زبان فارسی مهر می‌ورزید و با همکاری گل گلاب آهنگسازی این شاهکار میهنی را بر دوش گرفت. به راستی این سه تن کاهوهای روزگار خود بودند و درفششان همانا سرودشان بود جنگ افزارشان همانا سازشان که لرزه بر اندام دشمنان افکند.

### گاتها سروده های اهورایی (شوررتشت)

ای اهورامزدا باشد که از آن تو باشیم  
و از کسانی باشیم که جهان را تازه  
می سازند  
زمانی که فرد دستنوش سستی و  
نالاستواری است  
راستی به یاری ما می آید و اندیشه  
ما را به هم نزدیک می گرداند

در قوانین گذاشت و فرصتی بدست آورد تا با استفاده از بورس تحصیلی که از طرف بنیاد ملی علوم " NSF " به او داده شده بود به ایران سفر کند و مدتی با همکاری خانم شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۳ تحقیقات خود را در مورد حقوق بشر در ایران و نقش زنان در حرکت اصلاح طلبان ادامه دهد.

خانم دکتر نیاز کسروی در دوران تحصیل عهده دار ریاست انجمن فرهنگی دانشجویان ایرانی در دانشگاه کالیفرنیا در ارواین (UCI) بود و بعد از اتمام تحصیلات به عنوان محقق ارشد در پروژه حقوق بشر در داخل آمریکا همکاری خود را با سازمان عفو بین الملل شروع نمود. نیاز در این سمت بود که بیشترین تمرکز خود را روی مسئله تبعیض نژادی، شرایط زندانها در سیستم جزایی آمریکا بخصوص برای نوجوانان و حقوق مدنی بعد از فاجعه یازدهم سپتامبر (۹/۱۱) گذاشت که همکاری او کمک برجسته‌ای در این پروژه‌ها به حساب آمد. خانم نیاز کسروی مدتی هم به عنوان مسول روابط اجتماعی با سازمان پایا (PAAIA) همکاری نموده است.

دکتر نیاز کسروی در حال حاضر در سمت مدیر ارشد نظارت بر کارهای پلیس بویژه در رابطه با اقلیت‌های نژادی در آمریکا در قدیمی‌ترین سازمان حقوق مدنی در آمریکا " NAACP " به کار مشغول است که بسی باعث افتخار ما ایرانیان بویژه زرتشتیان است. دکتر نیاز کسروی مدت ۵ سال است که با ماهنامه زرتشتیان همکاری دارد و مقالات حقوق بشر ایشان در این نشریه به چاپ می‌رسد. نیاز همچنین ریاست بازیهای المپیک زرتشتیان را به عهده دارد.

خانواده دکتر نیاز کسروی در کالیفرنیا اقامت دارند، پدر نیاز آقای دکتر هوشنگ کسروی جراح عالیقدر مغز و اعصاب است، و مادر او، خانم فرینام و خواهرش خانم دکتر ارشیا کسروی دندانپزشک است.

در اینجا از خانم دکتر نیاز کسروی و از همکاری چند ساله ایشان با نشریه ماهنامه زرتشتیان سپاس گذاری می‌کنم و برای ایشان سلامتی و موفقیت روز افزون آرزو مندم.

باشد که جوانان ما روز به روز بیشتر در جامعه‌های گوناگون دنیا همچون خانم دکتر نیاز کسروی بدرخشند.

اگر شما هم جوانان موفق زرتشتی را می‌شناسید، برای معرفی‌شان در این نشریه با ما تماس بگیرید.

همانند بسیاری از ایرانیان مقیم آمریکا دکتر نیاز کسروی هم چند سال پس از دگرگونی رژیم در ایران به همراه خانواده خود از ایران خارج شد. نیاز در دوران جوانی از محیط محدود اجتماعی برای دختران و زنان اطراف خود رنج میبرد و خاطرات خوشی از آن دوران ندارد. خانواده او پس از بالا گرفتن جنگ ایران و عراق تصمیم به ترک ایران گرفتند و در جستجوی محیطی مناسب‌تر برای فرزندان جوان خود به آمریکا مهاجرت کردند.

آغاز زندگی در آمریکا گرچه برای نیاز به مانند اکثر مهاجرین همراه با آزادی، موقعیتهای گوناگون تحصیلی و اجتماعی بود اما تفاوت‌های گویشی و فرهنگی و اتفاقات سیاسی همزمان در ایران مانع از



آن بود که نیاز بتواند به صورت یک شهروند آمریکای زندگی کند او هنوز می‌بایست که از موانع زیادی بگذرد. در مقابل با این چالشها و بدست آوردن هویت فردی خود در محیط جدید بود که نیاز دید تازه‌ای نسبت به جامعه و حقوق اجتماعی پیدا کرد. همین امر باعث عشق و علاقه او به تحصیل و تحقیق در مسائل جامعه‌شناسی تفاوت و بی عدالتی‌های اجتماعی و طبقاتی شد و مسائلی چون مذهب، جنسیت، برابری و عدل اجتماعی را زیر سوال قرار داد.

دکتر نیاز کسروی دکترای خود را در رشته جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی از دانشگاه کالیفرنیا در ارواین (UCI) دریافت کرد. در دوران تحصیل تمرکز بیشتری را روی جامعه‌شناسی و نابرابری‌ها

# سرو، درخت مهر

درخت سرو در فرهنگ ایران جایگاه ویژه ای دارد و از هزاران سال پیش تاکنون مورد علاقه ایرانیان بوده است. گرامیداشت درخت سرو در فرهنگ ایران با گسترش آیین مهر در ایران کهن در پیوند است. در هزاره های دور، نیاکان هوشمند ما که در طبیعت و با طبیعت زندگی می کردند، پس از مشاهده خورشید و ماه و ستارگان و



تجربه تغییرات طبیعی فصول و کوتاهی و بلندی روز و شب، فعالیت های روزانه خود را بر بنیان این پدیده های طبیعی و دگرگونی های آن ها تنظیم کردند و از آن ها بهره های فراوان بردند. از این روی "زندگی بخشی" این پدیده های طبیعی را ستودند و از میان این پدیده های طبیعی، خورشید که با پرتوهایش (مهر) به این زمین و همه زیست‌مندان روی آن گرمای زندگی می بخشد، بیش از همه مورد ستایش قرار گرفت. سپس نیاکانمان با ژرف نگری در بزرگترین منشاء نور مادی (خورشید) و با شناخت اثرات زندگی بخش پرتو های آن (مهر) به شناخت درونی بزرگترین منشاء نور مینوی (خداوند) دست یافتند و فروزهای پاک و جاودانش همچون مهر و محبت مینوی را ستودند و کوشیدند تا برترین صفاتی را که برای او متصور بودند همچون مهرورزی و پیمان داری و میانه روی و دادگستری را در نهاد خود نیز پرورش دهند و آن آیین را «آیین مهر» نامیدند.

آیین مهر در ایران و بسیاری از کشورهای جهان هزاران سال پایدار ماند و پیروان فراوان یافت چنان که در سده اول پیش از میلاد، این آیین توسط رومی ها در سراسر قاره اروپا، غرب و شمال آفریقا و آسیای کوچک و پیرامون دریای سیاه منتشر شد و طی پنج سده در بخش بزرگی از جهان گسترش یافت.

به نظر می رسد که آیین مهر را می توان «مادر همه آیین ها» دانست و هنوز نیز بسیاری از نمادها و سنت های این آیین

کهن به صورت های گوناگون در باورها و سنت های پیروان آیین های دیگر در میان ایرانیان و دیگر ملت های جهان زنده مانده است که یکی از آن ها « جشن یلدا » است.

جشن یلدا، جشن زایش مهر است. چون نیاکان ما می دانستند که از آغاز دی ماه، روزها به تدریج بلندتر و شب ها کوتاه تر می شود و خورشید هر روز بیش تر در آسمان می ماند و نور و گرمی می پراکند. از این روی در آخرین شب پاییز (درازترین شب سال) و پیش از آغاز نخستین روز زمستان، برآمدن «نخستین پرتوهای خورشید تابان» را که «مهر» می نامیدند، به عنوان لحظه «زایش مهر» جشن می گرفتند که جشن «یلدا» و یا جشن «شب چله» نامیده شد. (از اول دی ماه تا دهم بهمن ماه که ۴۰ روز است "چله بزرگ" نامیده می شود و از دهم بهمن ماه تا بیستم اسفند ماه نیز "چله کوچک" نامیده می شود چون در این ۴۰ روز دوم یا چله کوچک از شدت سرما نسبت به چله بزرگ کاسته شده است.)

در باور پیروان آیین مهر، سرو درختی است که ویژه خورشید و زایش مهر است؛ درختی که همیشه سبز و با طراوت است و در برابر سردی و تاریکی پایداری می کند. از این روی سرو نماد مهر تابان و زندگی بخش و نشانه نامیرایی و آزادی و پایداری در برابر نیروهای مرگ آور بود. از این روی در شب زایش مهر، «سرو مهر» را می آراستند و هدایایی در پایش می نهادند و با خود پیمان می بستند که برای سال دیگر نیز سرو همیشه سبز دیگری بنشانند. براین پایه، درخت سرو از دیرباز تاکنون عضوی ثابت و جدانشدنی از باغ های بهشت گونه ایرانی است که یادگار آن باغ های بهشتی هنوز بر روی سنگ نگاره های شهر پارسه و آثار برجای مانده از نیایشگاه های مهری و نقش های ابریشمی قالی های باغی ایرانی و بسیاری دیگر از آثار هنری دوره های مختلف تاریخی از گبه و گلیم و ترمه گرفته تا مینیاتور و کاشی کاری در بناهای مختلف برجای مانده است.

بر بنیان باورهای مهری، نیاکانمان نام هایی چون «سرو ناز» را بر فرزندان خود می نهادند و در هنگام زایش فرزندان شان به جای قربانی کردن، به نام نوزاد درخت سروی می کاشتند تا سرو آزاد و فرزندان شان باهم بزرگ شوند و زندگی سبز و سرنوشتی روشن داشته باشند.

نزد مهربانان، درخت سرو با صفاتی چون آزاد، راستین، بلند، سرفراز، سرکش، تازه، جوان، جوانه، نوحاسته، سایه دست، سایه گستر، سهی، پابرجای، پادرگل، پایدار، چمن زاد، بستانی و بوستان آرای شناخته شد و به کنایه از معشوق با صفاتی چون موزون، سیمین، سیم اندام، گل اندام، بهاراندام، لاله رنگ، سمن بار، سهی بالا،

صنوبرخرام، طوبی خرام، خوش خرام، پریشان خرام، قیامت خرام، بی پرواخرام، قیامت قیام، خرامنده، خرامان، چمان، سبک جولان، هوادار، خوش رفتار، روان، دلجوی، قباپوش، سبزپوش، یکتاپوش و ... به ادبیات مردمان این سرزمین راه یافت:

سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند / همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند (حافظ)

سرو بالای کمان ابرو اگر تیر زند / عاشق آن است که بر دیده نهد پیکان را (سعدی)

آن میر غوغا را بگو، وان شور و سودا را بگو / وان سرو خضرا را بگو مستان سلامت می کنند.

(مولوی) گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم / ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد (سعدی)

سرو شو از بند خود آزاد باش / شمع شو از خوردن خود شاد باش (نظامی)

یکی بخرام در بستان که تا سرو روان بینی / دلت بگیرت در خانه برون آ تا جهان بینی. (خاقانی)

چنان که یاد شد، در آثار برجای مانده از دوران گسترش آیین مهر در ایران و اروپا، بسیاری از نمادهای مهری را که نزد مهربانان بسیار گرمی بود می توان یافت و سرو یکی از آن نمادهاست. اما «سرو مهر» را در شب زایش مهر با نمادها و نشانه هایی دیگر نیز می آراستند که هر یک نزد مهربان نشانی ویژه با پیامی رازگونه و نهفته در خویش بود. چنان که برفراز سرو به نشانه خورشید یا مهر تابان ستاره ای زرین یا سرخ برمی افراشتند و شاخه های درخت سرو را با دو رشته زرین و سیمین به نشانه خورشید و ماه می آراستند (این ماه و خورشید در سنگ نگاره های برجای مانده از نیایشگاه های مهری، نماد هایی از سُل یا خدای خورشید و لونا یا خدای ماه هستند که با میترا یا مهر هم پیمان شدند.) همچنین جوانان آرزومند به امید برآورده شدن آرزویشان، به گونه ای نمادین پارچه ای ابریشمی یا سیمین بر شاخه های سرو می آویختند و در پای سرو نیز هدایایی می گذاشتند.

پس از گسترش آیین مسیح در اروپا، پیروان این آیین نیز به بسیاری از سنت های مهری همچنان پایبند ماندند؛ چنان که می دانیم امروز سنت کهن برافراشتن و آراستن سرو به صورت آذین بندی درخت کاج هنوز متداول است. پس بر این پایه می توان در نظر گرفت که با بهره گیری از نمادهای ویژه آیین مهر، آراستن و آذین بندی درخت سرو نیز انجام شود و خانواده های ایرانی نیز این رسم کهن مهری را به عنوان بخشی از مراسم جشن یلدا در خانه های خود زنده کنند و پاس بدارند.

از نمادهایی که می توان برای آذین بندی سرو مهر یا درخت یلدا استفاده نمود، می

شود به این نمادها اشاره کرد: خورشید، شیر (نام و نشان مرحله چهارم ورود به آیین مهر، و نماد آتش / خورشید) و یا شیر و خورشید، هلال ماه و ستاره ای میان آن (نشان پارسی یا مرحله پنجم در آیین مهر)، کلاغ (پیک مهر و نام و نشان مرحله ششم ورود به آیین مهر)، تندیس زن (نماد ناهید مادر مهر)، حلقه (نماد مهر و نشان پیوند با مهر و مرحله هفتم)، صدف (زایشگاه مهر)، دلفین (پروراندن مهر)، گل نیلوفر آبی (نگهدارنده مهر)، مروارید (به نشانه مهر)، خروس سپید (نماد مهر / سروش)، سگ (یاورمهر)، نوارهای سرخ و زرد و آبی (رنگ های شاخص به نشانه مهر، در تن پوش مهربان).

درخت سرو از هزاران سال پیش در ایران کاشت می شده و یکی از نمونه های کهنسال این درخت، سرو کاشمر بوده است که بنا به قول مشهور به دست زرتشت کاشته شده بود. اکنون نیز نمونه های کهنسال دیگری از درخت سرو در برخی از نقاط ایران همچنان استوار است که مهم تر از همه سرو کهنسال چند هزارساله در شهر ابرکوه یزد است که کهنسال ترین سرو جهان به شمار می رود.

به هر روی، خوشبختانه درخت سرو در ایران و همه کشورهای جهان در دسترس ایرانیان است و حتا در کشورهای



سردسیر با اندک تلاشی می توان آن را در گلخانه کاشت و نگهداری نمود و در جشن یلدا استفاده کرد. تیره سرو در دنیا دارای ۱۳ تا ۱۵ جنس و نزدیک به ۱۴۰ گونه است. مهم ترین جنس این تیره یکی سرو کوهی (Juniperus) است که ۶۰ تا ۷۰ گونه آن در نقاط معتدل نیم کره شمالی و مشرق آسیا می روید. در ایران ۷ گونه از سرو های کوهی در ارتفاعات شمال و شمال شرقی می رویند. از دیگر جنس های این تیره که در ایران می روید جنس زربین (Cupressus) است که ۱۳ تا ۱۵ گونه در دنیا دارد و از غرب آمریکای شمالی تا گواتمالا و آسیا تا شرق اروپا انتشار دارد. این جنس در ایران یک گونه با دو واریته دارد که مخصوص جنگل های شمالی یعنی جنگل های حوالی رودبار و منجیل در دره سفید رود و مرزن آباد در دره چالوس و جنگل های حوالی گرگان و همچنین در شمال شرقی خاش است.

## نگاهی به کارنامه‌ی کارستان استاد دکتر جلیل دوستخواه

از شاهین سپینتا



به راهنمایی استاد زنده‌یادش دکتر محمد مقدم در برابر گروه استادان دفاع کرد و آن را از تصویب گذراند. در سال ۱۳۴۲، کتاب هیمالیا، ترجمه برگزیده شعر پانزده تن از شاعران اردو زبان شبه قاره هندوستان و پاکستان را با همکاری دکتر سید علی‌رضا نقوی

منتشر کرد و کتاب اوستا، نامه مینوی آیین زرتشت، بازنوشت گزینه‌ای از گزارش اوستای استاد زنده یاد ابراهیم پورداود را در سال ۱۳۴۳ زیر نظر استاد تدوین کرد و به ناشر سپرد که تا سال ۱۳۶۶ شش بار به چاپ رسید.

سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۶۰ را با سمت استادیاری و دانشیاری تمام وقت در دانشگاه اصفهان و نیز با عنوان استاد میهمان در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز و در فرصت پژوهشی یک ساله (۱۳۵۵-۱۳۵۶) در دانشگاه دُرهم در شمال خاوری انگلستان گذراند و به تدریس و پژوهش پرداخت.

در سال ۱۳۶۰ بازنشسته شد و از آن پس، بیشتر وقت خود را به پژوهش در فرهنگ و ادب کهن ایرانی گذراند و تنها ساعت‌هایی از هفته به تدریس در دانشگاه آزاد (شهرکرد و نجف آباد) سرگرم بود. در سال ۱۳۶۳ ترجمه کتاب آفرینش و رستاخیز، پژوهشی معنی‌شناختی در ساخت جهان بینی قرآنی، اثر پژوهشگر ژاپنی «شینیا ماکینو» را منتشر کرد که در سال ۱۳۷۶ به چاپ دوم رسید.

در سال ۱۳۶۶ کتاب دو جلدی «اوستا، کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی» (گزارش و پژوهش) یکی از مشهورترین آثارش را برای بزرگداشت سه هزارمین سال زادروز زرتشت و یک‌صدمین سال زادروز استاد ابراهیم پورداود آماده چاپ و نشر کرد؛ اما کتاب در نوبت کسب مجوز ماند تا در سال ۱۳۷۰ به چاپ رسید و در سال ۱۳۸۶، چاپ یازدهم آن نشر یافت. دو چاپ از این کتاب نیز به خط سیریلیک / کرلیک در ازبکستان و تاجیکستان نشر یافته است.

در سال‌های پس از بازنشستگی‌اش در دهه شصت، یک نشست هفتگی شاهنامه پژوهشی در اصفهان برپا کرد که گروهی از دوستداران فرهنگ ایرانی در آن حضور می‌یافتند و در سال ۱۳۶۹ با همکاری همان گروه، مجموعه سخنرانی‌های سه‌شب را به مناسبت بزرگداشت هزاره سرایش شاهنامه فردوسی در تالار زرین میهمان‌سرای عباسی اصفهان برگزار کرد که با پذیره پرشور دوستداران یادمان‌های فرهنگ ایرانی رو به رو شد.

وی، در پایان سال ۱۳۶۹ ناگزیر از ترک میهن شد و با خانواده اش به استرالیا کوچید و از آن پس در شهر تانزویل در ایالت کوینزلند استرالیا زندگی می‌کند و کارهای پژوهشی‌اش را در چهارچوب «کانون پژوهش‌های ایران‌شناختی» و در همکاری گسترده با نهادهای دانشگاهی و پژوهشی در ایران و کشورهای دیگر ادامه می‌دهد.

سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۷۳ خورشیدی (۱۹۹۳-۱۹۹۴ میلادی) را به فراخوان استاد دکتر احسان یارشاطر برای همکاری در تدوین دانشنامه ایران (انسیکلوپدیا ایرانیکا) در دانشگاه کلمبیا در نیویورک گذراند و از هنگام بازگشت به استرالیا تاکنون نیز از راه دور به این همکاری ادامه داده است. ترجمه‌ها و تألیف‌های تاکنون نشر یافته دکتر دوستخواه، جدا از آنچه پیشتر گفته شد، و نیز گفتارها و سخنرانی‌های اجرا کرده او و همکاری‌هایش با نهادهای فرهنگی، به شرح زیر است:

الف - کتاب‌ها:

۱- آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان، ترجمه از پژوهش دانشمند پارسی جهانگیر کوریجی، ویرایش یکم، تهران - ۱۳۵۳ و ۱۳۶۲ و سه چاپ دیگر (سازمان کتاب‌های جیبی و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی).

۲- داستان رستم و سهراب، روایت نقّالان، ویرایشی از نقل و نگارش مرشد عباس زریری، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۰. (متن کامل نقل و نگارش مؤلف با عنوان

۱۵ شهریورماه امسال، برابر با هفتاد و هفتمین زادروز استاد بزرگ اوستاشناس و شاهنامه پژوه دوران ما، دکتر جلیل دوستخواه اصفهانی است. دکتر دوستخواه، ایران‌شناس، پژوهنده، شاعر و مترجم نامدار ایرانی در سال ۱۳۱۲ در شهر تاریخ و فرهنگ «اصفهان» دیده به گیتی گشود. وی از روزگار نوجوانی تاکنون، همواره در تلاش برای آموختن و آموزش بوده است و حاصل سال‌ها کار پژوهشی پیوسته او انتشار ده‌ها کتاب، گفتار، نقد، گفت‌و شنود و سخنرانی است که هر یک به سهم خود راهگشای اهل دانش و پژوهش است. برخی از آثار او همچون «اوستا، کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی» بارها در داخل و خارج کشور بازنشر شده است و همچنان در شمار منابع اصلی و معتبر مورد نیاز اوستاپژوهان است و اکنون در آستانه زادروز دکتر دوستخواه، پانزدهمین چاپ این کتاب (در دو جلد با ۱۲۰۸ صفحه) بازنشر یافته است. دکتر دوستخواه سروده‌های شیوایی نیز به مناسبت‌های مختلف سروده است که از ذوق سرشار و عواطف شاعرانه، و استادی او در شعر و ادب فارسی نشان دارد. دکتر دوستخواه در این سال‌ها که به تعبیر خودش، به ناگزیر شهربند دیار بیگانه است، لحظه‌ای از یاد میهن و زادگاهش که «اصفهان من» می‌خواندش، غافل نیست و همچنان به پژوهش‌های ایران‌شناسی، فرهنگی و ادبی مشغول است و آثاری را در دست نگارش و نشر دارد. وی افزون بر پژوهش‌های فرهنگی و ادبی و همکاری با نهادهای فرهنگی ایرانیان در سراسر جهان، از سال ۱۳۸۴ تاکنون، شش سال است که با ایجاد پایگاه اینترنتی «ایران‌شناخت» و با کوششی شبانه‌روزی، به انتشار هفته‌نامه (اکنون ماهنامه) الکترونیک، ویژه پژوهش در زبان، ادب، فرهنگ، هنر و تاریخ ایران، می‌پردازد و مجموعه‌ای خواندنی از خبر، گزارش، یادداشت، تصویر، نقد، و ... را از نویسندگان و پژوهشگران ایرانی از سراسر جهان منتشر می‌کند و در دسترس و دیدرس هر خواستار و جوینده دانش می‌گذارد. با شادباش زادروز خجسته استاد گرانمایه فرهنگ و ادب فارسی «دکتر جلیل دوستخواه» و آرزوی تندرستی همیشگی برای ایشان، در ادامه نگاهی خواهیم داشت به کارنامه پربار او که همچنان ناتمام است و هر روز برگ زرین دیگری بر آن افزوده خواهد شد:

نگاهی به زندگی و آثار دکتر جلیل دوستخواه:

جلیل دوستخواه، در ۱۵ شهریور سال ۱۳۱۲ خورشیدی در «اصفهان» دیده به گیتی گشود. هنوز پنج ساله بود که پدر و مادر به خاطر هوش سرشارش او را به یک مکتب‌خانه سنتی فرستادند. او در سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۱ دوره‌های مکتب‌خانه، دبستان، سه ساله آغاز دبیرستان و دو ساله دانش‌سرای مقدماتی شبانه‌روزی را در همان شهر زادگاهش گذراند. سال آموزشی ۱۳۲۱-۱۳۲۲ را با شغل آموزگاری در یک روستا سپری کرد و در آستانه آغاز دومین سال آموزگاری‌اش (پس از امرداد ۱۳۲۲) به سبب درگیری در مبارزه سیاسی، بازداشت و بیکار شد و عنوان «منتظر خدمت» و سپس «آماده به خدمت» یافت.

در سال‌های ۱۳۲۳-۱۳۲۴ دوره ۱۸ ماهه خدمت سربازی را در تهران و فارس گذراند. در سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ در ضمن کار روزانه در کارگاه‌های گوناگون، به کلاس‌های شبانه رفت و خود را برای شرکت در آزمون ورود به دانشگاه، آماده کرد و در سال ۱۳۲۶ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به عنوان دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی پذیرفته شد. همچنین به تدریس در یک دبیرستان روزانه و چند آموزشگاه شبانه و کار در برخی از نشریه‌های ادبی - فرهنگی تهران (از جمله همکاری با استاد زنده‌یاد روح الله خالقی و سپس زنده یاد محمود اعتماد زاده / م. ا. به آذین در تدوین و نشر ماهنامه «پیام نوین» و استاد ایرج افشار در انتشار ماهنامه «راهنمای کتاب») پرداخت و دوره کارشناسی (لیسانس) را تا سال ۱۳۳۹ گذراند و رتبه یکم را به دست آورد و در همان سال در آزمون ورودی دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران شرکت کرد و همراه با دو تن دیگر (آقایان دکتر رسول شایسته و دکتر محمد جواد شریعت) از میان ۳۰ تن شرکت‌کننده، به این دوره پذیرفته شد و تا سال ۱۳۴۷ در حین گذراندن درس‌های دوره دکترا، بر پایه فراخوان استاد زنده‌یاد دکتر محمد معین، به کار در سازمان‌های لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی پرداخت و در آبان‌ماه ۱۳۴۷ از پایان‌نامه دکترایش با عنوان «آیین پهلوانی در ایران باستان» (پژوهشی در گستره شاهنامه‌شناسی)

شاهنامه‌ی نقالان، در دست ویرایش است).  
۳- پژوهش‌هایی در شاهنامه، ترجمه از پژوهش جهانگیر کوریجی کویاجی، ویرایش یکم، اصفهان، نشر زنده‌رو، ۱۳۷۱.

۴- بُنیادهای اسطوره و حماسه ایران، ویرایش دوم دو اثر یادکرده در بندهای ۱ و ۲ در یک جلد، تهران، دو چاپ - ۱۳۸۰ و ۱۳۸۳، نشر آگه.

۵- حماسه ایران، یادمانی از فراسوی هزاره‌ها، مجموعه پژوهش و نقد شاهنامه‌شناختی، ویرایش یکم، سوئد، نشر باران، ۱۳۷۷

۶- همان اثر (+ ۸ گفتار تازه)، ویرایش دوم، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۰

۷- گزارش هفتخان رستم بر بُنیاد داستانی از شاهنامه فردوسی، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۱.

۸- رهیافتی به گاهان زرتشت و متن‌های نو اوستایی، ترجمه از پژوهش هانس رایشلت، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۳.

۹- فرآیند تکوین حماسه ایران پیش از فردوسی (جلد ۵۸ از مجموعه از ایران چه می‌دانم؟)، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران ۱۳۸۴.

۱۰- شناخت‌نامه فردوسی و شاهنامه (جلد ۶۱ از مجموعه از ایران چه می‌دانم؟)، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴.

۱۱- ایران شناخت، یادنامه‌ی استاد ابراهیم ولنتاین ویلیامز جکسن، ترجمه بیست گفتار ایران شناختی از دانشمندان ایران‌شناس جهان، نشر آگه، تهران، ۱۳۸۴.

۱۲- اوستا: کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی، ناشر: مروارید، تهران، ۱۳۷۰.

### کتاب‌هایی که در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا به فروش می‌رسند:

- «آموزش زرتشت، پیامبر ایران». از: تهمورس سنا
- «در جستجوی راستی‌ها»، به کوشش: فرنیس کیخسرو شاهرخ
- «یاران هستی»، از: برهان ابن یوسف
- «ضرب المثل‌ها و ادبیات برگزیده فارسی»، از: اختر شجاع زادگان
- «پیام زرتشت»، از: دکتر جعفری
- «گات‌ها، سروده‌های اهورایی زرتشت»، از: دکتر خسرو خزایی (بردیس)
- «شاخ سخن»، از: مهین بانو ترکمان اسدی
- «فرزانه»، از: دکتر جعفری
- «بیست و یک نوشتار پژوهشی»، از: اردشیر جهانیان
- «سوان آموزی و دبیری در دین زرتشت»
- «برما چه گذشت»، از: جمشید پیشدادی

### سی‌دی‌هایی که به فروش می‌رسند

- «موسیقی و کلام زرتشتی»، از: سیروس جهانی
- «تاریخ گویای دوران باستان، شاهنامه و تاریخ»، به کوشش: مهندس امینی سام
- «امردان - سرود جشن‌های ایرانیان»، از: خداداد کویانی
- «بر سور»، از: گروه گات‌ها - کانادا
- «نماز - نیایش‌های سرزمین اهورایی»

تلفن و یا نشانی الکترونیکی برای سفارش

4737 - 893 (714)

Info@CZC.org

# مانی (مانویت) و مزدک

از دکتر بُرزونجمی

بخش یکم:

مانی: اگر واژه‌ها نیز مانند موجودات سرگذشتی داشته باشند، این دو واژه مانی و مزدک نتوانسته‌اند از ملعنتی<sup>۱</sup> که درست از آغاز بر آنها بار شده رهائی یابند. ما امروز از دانش و فرهنگ سیاسی دوران باستان و سده‌های میانی دور شده‌ایم که حکمرانان با دین و بی‌دین و جستجوکنندگان باورهای مردم (تفتیش عقاید)، افرادی را که درست یا نادرست باور به مانویت داشتند را در آتش میانداختند یا به تیغ دژخیمان می‌سپردند و یا بکردار سخت محکوم میکردند. این کردارهای ناشایست هنوز از جامعه انسانی رخت برنه بسته و جای هیچ انکاری نیست که چنین خطاهای بزرگی با تفسیر ساده نگرانه‌ای که به نتایج ابتدائی می‌انجامد هنوز هم ادامه دارد. مانویت هم‌چنان به عنوان گناهی علیه ما روان شناخته میشود و برای کسانی که جا دارد مردم با فرهنگ روزگار ما نامیده می‌شوند، نام این پیامبر ایرانی و نظام دوگانه باوری او (ثنویت مطلق)، جز نماد پوچی و کوتاه فکری، چیز دیگری

را افاده نمی‌کند. برای هیچ پیامبری به انجام رساندن رسالت‌اش آسان نیست، اما کار او سخت‌تر خواهد شد اگر آموزه‌های او برابر پیشینیان نباشد و یا وظیفه پرمخاطره و پیام‌آوری، زمانی برعهده او قرار گیرد که سیاست مداران کشورش نخواهند برای گوشمالی دادن دیگران بکار برند، که نمونه کامل آن مانی می‌باشد. دین مانی یکی از ادیان فراوش شده می‌باشد و بیشترین نویسندگانی که راجع به مانی نوشته‌اند، نگارش‌هایشان غرض آلود و غیرمنطقی است. تا گذشته‌های نزدیک نوشته‌های زیادی موجود نبودند که بتوان بدرستی مانی یا مانویت را شناخت ولی خوشبختانه در این یک سده اخیر نوشته‌های فراوانی بدست آمده که فهم و شناخت دید این پیامبر ایرانی را آسان‌تر نموده است ولی با وجود این، فلسفه مانی یکی از دشوارترین فلسفه جهانی است. پس از مانی، اختلاف زیادی مابین موبدان زرتشتی پدید آمد که ناشی از فهم نادرست آموزه‌های او و درک

نادرست آنها از آموزش‌های زرتشت بود و پیروان اولیه مانی نیز که بغض و کینه زیادی نسبت به موبدان زرتشتی داشتند، (چون مانی به تحریک آنها توسط شاه ایران کشته شده بود) باین نفاق و دو دستگی آتش میزدند. لازم است فقط به چند سرلوحه آموزش مانی اشاره کنم که تفاوت فاحش آن با آموزش‌های زرتشت و حتی دین زرتشتی مزدیسنايي (کیش زرتشت پس از چندی دچار انحراف گردید و باورهای خرافی زیادی بان وارد شد مانند ایزدان و غیره که آنها دین مزدیسنايي میانمند و با آموزش‌های گاتهای زرتشت تفاوت فاحشی دارد) اشاره کنم.

۱- مانی یا فارقلیط در چهارم ابریل ۲۱۶ میلادی و یا ۲۰۰۲ سال پس از زرتشت در بین‌النهرین متولد شد که با این حساب میشود زاد روز زرتشت را بطور تقریبی نمودار ساخت ۲۱۶-۲۰۱۰-۲۰۰۲=۳۷۹۶. اگر غربی‌ها که خود برگردان‌های نوشته‌های مانوی هستند، باین نکته توجه نمایند، باسانی میشود زایش زرتشت را در روز و سال درست محاسبه نمود. در دو هزار سال فاصله زمانی پیدایش زرتشت بزرگ و مانی، تغییرات زیادی در کیش زرتشت پدید آمد. گاه شماری جابجا شد و آموزش‌های زرتشت دگرگون گردید (لازم است تأکید نمایم که انحرافی در نوشته یا سرود شخص زرتشت (مانترا= گاتها) پدیدار نشد و این ممکن نمیشد مگر بوسیله فداکاری مغان یا موبدان زرتشتی، درود به روان پاک آنها.

۲- مانی خود را آخرین پیغمبر میدانست و بگفته او پیام‌آوران پیش از او «زرتشت بزرگ»، بودا و عیسی بوده‌اند، اما عیسانی که او پیامبر خوانده غیر از عیسی بن

۱- ملعنت = نفرین، لعنت.

۲- چند سال اختلاف در پیدایش زرتشت بزرگ است که با حساب کردن کیسه و راست کردن گاه شماری آنها برطرف میشود.

مریم است. او عیسی بن مریم را شیطان میدانسته و تورات را نیز بکلی رد کرده و منکر حضرت موسی شده است.

۳- مانی با آشنائی به ستاره‌شناسی و نجوم، به سرنوشت و تقدیر باور راسخی داشته است<sup>۲</sup> (که مغایر با گاتهاست).

۴- جایگاه خداوند را در آسمان میدانسته و آسمان را به طبقات ۵ گانه بخش نموده است<sup>۳</sup>.

۵- باور شدید به سختی و ریاضت و خودداری از خوشی‌های زندگی، بطوریکه برای کنترل شهوت جنسی پیروانش خود را اخته میکردند و نفس خود را با گرسنگی و تشنگی آزار داده، خود را کثیف و چرکین نموده و به جای آب که پاک‌کننده‌ترین ماده حیاتی است و در گاتها چندین بار از آن برای پاک کردن اشاره شده، از ادرار گاو یا حیوان و حتی انسان برای پاک کردن (تطهیر) مذهبی استفاده مینمودند<sup>۴-۵</sup>.

۶- نزاع یا جنگ دائمی بین خیر و شر که کشمکش بعدی اهورا- مزدا و شیطان در اوستای پسین تعبیر شده.

۷- نجات فرد بوسیله گنوسیس (GNOSIS) که با ایمان به آموزش‌های فرستادگان نور و هدایت آنها بویژه گفته‌های مانی که دین راستی و نور و تنها مخزن مدونات اصلی است و آنچه به فارقلیط نازل شده آنرا نگاه داشته، این نجات پیدا میشود. برخلاف پیروان ادیان دیگر، حوزه

دینی مانوی، طریقه و سنت گنوستیکی را سالم و درست و کامل از مانی باینطرف بدون تغییر حفظ نموده و انتقال داده است. نوشته‌های مانی در ۶ جلد موجود است که نسک شاپورگان آن به پهلوی نوشته شده بوده است.

۸- خدمت بزرگی که مانی کرده است، اختراع خط جدیدی بوده است که در آن حروف صدادار وجود داشته. کتب مانویان پارتی زبان و پارسیک و سغدی و غیره با آن خط که پیش از آن استرنجولو نامیده‌اند و

گرفته شده از خط سریانی و ساده‌تر است با آن نوشته شده. چه بسیاری از واژه‌های فارسی که در نگارش پهلوی به جهت وجود واژه‌های مزوارش مشکوک بود، پس از برداشتن واژه‌های مزوارش، آسان‌تر و خواندن و تفسیر آن درست شد. این کمک زیادی به پیشرفت و آگاهی ما نسبت بزبان‌های قدیم ایرانیان نموده است. ولی در برابر این امتیاز، با کاربرد واژه‌های پهلوی، مانی و مانویان در نوشتار خود، منظور خویش را با آن بیان میکردند، که نویسندگان پسین آنها را بدو نابجا تعبیر نموده و بپای آموزه‌های زرتشت نهادند. از این زمان به بعد است که این خرافات وارد دین مزدیسنايي شد.

۹- و اما بیشترین خسارتی که بادیان دیگر وارد شد این بود که مانی می‌کوشید تا میان دین خود و مسیحیت رابطه‌ای برقرار کند، چنانکه در مورد آئین زرتشت و بودا هم کرده بود. بطور یقین میشود گفت که در هر مورد، مانی، نمونه‌ای جزئی از این ادیان را در نظر داشت. کیش زرتشتی مزدیسنايي (به‌صورت مغانی آن و نه گاتهای) که مورد پذیرش ابن دیسان و مرقیون بود می‌انگاشت (این دو نفر پیروان عیسی بودند که به مانویت پیوستند ولی مرقیون در سال ۱۴۴ میلادی با کلیسای کاتولیک قطع رابطه کردند).

جنبه مسیحی پیام مانی برای غرب و جلوه بودائی‌اش برای شرق بود. میان دو حوزه امپراتوری قرار داشت که برای

۳- برای تفسیر به نوشته اینجانب، تقویم و تاریخ در ایران باستان بدره آورد شماره ۶۳ نگاه شود.

۴ به بخش اهورمزدا (اهور- مزدا) شماره‌های پیشین ایران زمین نوشته اینجانب رجوع شود.

۵ مانی و دین او - سید حسن تقی زاده - تهران

آن بخش زرتشتی نظام او تهیه شده بود. با وجود این باید بتفاوت میان این سه ادیان توجه شود که عناصر بودائی و مسیحی دین مانی بصورت پیرایه‌هایی ظاهر میشوند که میتوان آنها را بدون زحمت و بدون خطری از آموزش‌های مانوی جدا ساخت. ولی همین کار را با عنصر ایرانی آن نمیتوان نمود، زیرا که آنها تشکیل دهنده دین مانی هستند و با حذف آنها تقریباً هیچ چیزی از چهارچوب باورهای مانی باقی نمی‌ماند. بنیاد مانویت چنانچه دیده شد، ایرانی است ولی نه ایرانی راستین (یعنی گاتهای یا فرم ناب آن که زرتشت بیان نموده)، بلکه زرتشتی از زاویه دید گنوستیکی (دید مسیحیان) و نه خردگرایی و بینش زرتشت بزرگ که باشتباه آنرا با واژه عرفان تازی نام میبردند. باید توجه داشت که دیانت مانی با دین زروانی که در زمان ساسانیان گسترش یافت، ضربه‌ای بود به وحدت ملی ایران، زیرا گرویدن تعداد زیادی بدیانت مانوی، زرتشتیگری را تهدید می‌کرد. مانی با اینکه باور خود را بر مبنای سه آئین بودائی، زرتشتی، مسیحی پایه‌گذاری کرده بود و دامنه تبلیغات او تمامی ایران و مصر و میان رودان را دربرمی‌گرفت، نتوانست دوام و بقای خود را حفظ کند ولی برای ایرانیان دو جنبه خوب و بد داشت. خوب از آن رو که مغان را وادار به جمع‌آوری و تدوین و تفسیر کتاب مقدس گاتها و نوشتن اوستا نمود و آنها را بیش از پیش براه دیانت کشانید. گرچه از آنها در جمع‌آوری املاک و پول مانع آن بود که کاملاً بخود بیایند و آیین زرتشت را انطور که بوده بمردم بیاموزانند نه آنچه خود خواستار آن بوده‌اند. با کشته شدن مانی و پیروان او کیش زرتشت، جانی تازه به خود گرفت ولی دوگانگی و نفاق بین افراد موجب ضعیف شدن ایران و یورش تازیان بود.

کشتار مانی و اذیت و آزار پیروان او توسط حکومت ساسانیان و موبدان بیشتر به جهت شرک او بود که در بالاترین نقطه افراط در آموزش‌های او وجود داشت. بویژه آنکه، او کوشش مینمود تا آموزش‌های زرتشت را که در آن زمان به گمراهی کشانده شده بود، به کژ راهی و نادرستی بیشتری بکشاند. ثنویت کامل، ریاضت و زکات، باور به سرنوشت و تقدیر، جایگاه خداوند در آسمان، جنگ دائمی نیکی و بدی (خیر و شر) و نزاع خداوند و شیطان و... که تماماً از باورهای گنوستیکی (گاتهای زرتشت بری از این صفات و زیادی دیگری از این نوع است) و مانوی هستند با آموزش‌های زرتشت همیستار بوده و هست. اگر افراد، گاتهای زرتشت را که ۴۰ سده پیش آموزش داده شده با اندرزه‌های مانی که ۲۰ سده پس از زرتشت آمده و حتی با آموزش پیغمبران سده ۱۹ میلادی مقایسه نماید، آنزمان پی بارزش معنوی، علمی - اجتماعی و... گاتها خواهد برد و آنرا بیشتر خواهد ستود و بکار خواهد برد و نوشته‌ها و آموزه‌های مانی و... را خنده‌آور خواهد انگاشت<sup>۷</sup>.

دنباله دارد

با گزیدن نامی زیبا که ریشه در فرهنگ کهن ایرانی دارد و همچنین آموزشی درست، برای فرزندانمان آینده‌ای روشن را فراهم آوریم.

۶- در مذمت نیرنگ (ادرارگاو یا ادرار بطور کلی)، پارسیا ناچاپ انگلیسی در بمبئی ۱۹۸۵-۱۹۸۶-۱۹۸۷ نوشته اینجانب.

عرفان نازی با خردگرایی زرتشت که با واژه خرتوم (خرد) و سروش (SRAOSHA) نمایانده میشود تفاوت دارد. صوفیگری ایرانی پس از اسلام از جمع باورهای گنوستیکی و خردگرایی ایرانی بوجود آمده است.

۷- مثنویت کامل، منشأ خیر و شر و... تماماً در نوشته‌های من در فصل‌نامه ایران‌زمین [www.ancientisan.com](http://www.ancientisan.com) موجود است.

## از هومر آبرامیان

از آن برداشته اند در همه ی این فرتورها با سه دبیره ی پارسی باستان - ایلامی و بابلی نوشته شده است:

ادم کوراش خَشَه یَتیا هَخَه مَنه شیا که برگردان آن بپارسی امروز می شود: «منم کوروش پادشاه هخامنشی شوربختانه این بخش از این سنگ نگاره در گذرگاه زمان شکسته و از میان رفته است.»

دیو لا فوا باستان شناس نامدار فرانسوی و همسر او در سفرنامه های خود این سنگ نبشته را بر روی پیکره ی کوروش بزرگ دیده و از روی آن نگاره برداری کرده اند. پیش از آنان نیز جهانگردان و باستانشناسان دیگری این سنگ نبشته را دیده و از روی آن نگاره برداشته اند، از نامدارترین آنها می توان از «جیمس موریه» و «سررابرت کرپرتر» نام برد که نزدیک به ۱۸۰ سال پیش آنرا دیده و در گزارش خود از آن نوشته یاد کرده اند.

در سال ۱۸۵۱ کشیشی بنام فوستر از این تندیس دیدن کرده و همان چیزی را گزارش کرده است که باستان شناسان دیگر پیش از او دیده و گزارش کرده بودند.

در سال ۱۹۰۶ ویلیام جکسن باستانشناس نامدار اروپایی بدیدار این تندیس می شتابد و از روی نوشته ی بالای سر آن نگاره برداری می کند و در گزارش خود می نویسد: بر روی تخته سنگی که ۱۲ پا بلندی و ۵ پا پهنا و ۲ پا کلفتی دارد پیکره ی شاه بزرگ دیده می شود که بر سر آن تاج پادشاهی مصر نشسته و دو بال شاهین بر شانه های او شکوه شاهانه اش را آنچنان به رُخ می کشند که انگاری سرشت ایزدی دارد، این تندیس پادشاهی است بزرگ که بر بالای سرش نوشته شده است:

منم کوروش شاه هخامنشی...

در دانشنامه ی کلان لاروس نیز فرتوری از این تندیس بچاپ رسیده و زیر آن نوشته شده است:

«سنگ نگاره ی کوروش بزرگ شاهنشاه هخامنشی»

نکته ی بسیار شایان ژرف نگری در اینجا است که این تندیس پس از دو هزار و پانصد سال همچنان بر پا ایستاده، و ما می دانیم که بسیاری دیگر از تندیسهای و پیکره های سنگی در دشت مرغاب یا تخت جمشید و پاسارگاد بدست روستاییان و شکارچیان بیدانش شکسته و از میان رفته اند، ولی ایزد گونگی این تندیس مردم را از آسیب رساندن به آن باز داشته است.

در این سنگ نگاره کوروش بزرگ کفش بپا ندارد، و نیازی هم به کفش ندارد، چرا که این تندیس فروهر اوست نه پیکر گیتیانه اش چنانچه نگاره ی فروهر هم کفش ندارد!!

از دیگر ویژگیهای این تندیس جامه ی بابلی آن است، اگر چه برخی آن را جامه ی مادی دانسته اند ولی بهر روی این نشان دیگری از چند فرهنگی بودن ایران است.

امروزه کشورهایی مانند استرالیا و آمریکا به

چند فرهنگی بودن خود می نازند، ولی این تندیس گواه بزرگی است بر این سخن که ایران نخستین گهواره ی چند فرهنگی در



گستره ی جهان بوده است. گل نیلوفر آبی بر کناره ی پیراهن کوروش بزرگ نشان ایزد بانوی والاتبار ایرانزمین اردویسور اناهیتا، ایزد بانوی آبها، و نماد پادشاهی ایرانزمین است، همان است که در تخت جمشید در دست راست شاهنشاه داریوش بزرگ دیده می شود.



کوروش بزرگ در سال ۵۳۰ پیش از میلاد چشم از جهان فرو بست و پسرش کمبوجیه بر جای او نشست و آرامگاه با شکوهی در پاسارگاد برای پدر بساخت و پیرامونش را با گلها و گیاهان و درختانی که کوروش بزرگ دوست می داشت آراسته کرد و فرمان داد دو تندیس که نشان دهنده ی فروهر کوروش بزرگ باشند از سنگ بتراشند و در دو سوی آرامگاه کوروش برپا کنند.

یکی از این سنگ نگاره ها در سده ی نوزدهم ترسایی در نزدیکی استخر در دشت مرغاب پیدا شد که به بلندی یک مرد است.

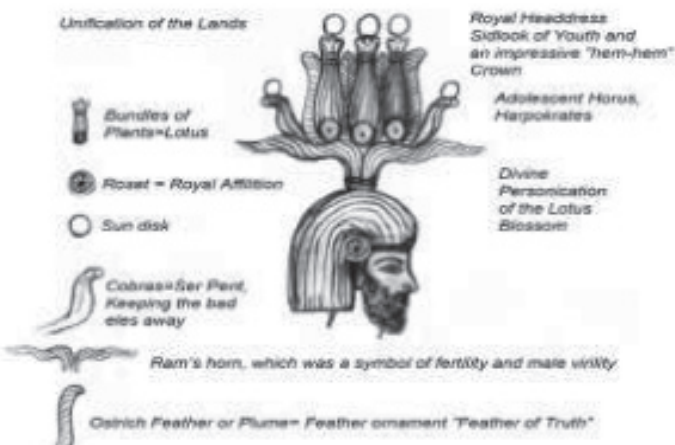
این تندیس، کوروش بزرگ را بگونه ای نشان می دهد که دو بال همانند بال شاهین از دو سویش گشوده شده و تاجی به سر دارد که از دو شاخ گاو و دو مار کبرا و نماد های دیگر مصری فراهم گردیده است.

این یگانه تندیس ایرانی نیست که با نمادهای مصری آراسته گردیده است، در سال ۲۵۱۱ (درست ۳۸ سال پیش) در کاوشهای باستانشناسی که در شوش انجام گرفت تندیس بدون سری از شاهنشاه داریوش بدست آمد که هم اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می شود. بر روی این تندیس با سه دبیره ی پارسی - ایلامی و بابلی و هیروگلیف مصری نام شاهنشاه داریوش کنده کاری شده و برنام یا عنوان فرعون بزرگ مصر به او داده شده است. بر روی پایه ی این تندیس هم نگاره هایی از خدایان مصری که در حال گره زدن گل های لوتوس و پاپیروس (به نشان دوستی دو ملت ایران و مصر) کنده شده است.

سنگ نگاره ی فروهر کوروش بزرگ نمونه ی بسیار پرارزشی از هنر کنده کاری در سنگ، در جهان باستان است و از آنچنان والایی برخوردار است که شمار بزرگی از باستانشناسان و دانش پژوهان و دیگر فرزندان اروپایی را تنها برای دیدن آن به ایران کشانیده است.

خوشبختانه این تندیس هم اکنون در دشت مرغاب برپا است و به نوشته ی زنده یاد استاد بهرام فره وشی این دشت بپاس همین سنگ نگاره دشت مرغاب نامیده شده است چرا که مردم از دیر زمان پیکر زیبای کوروش بزرگ را با بالهایی که بر شانه دارد یک مرغ آسمانی بشمار آورده و آن دشت را مرغاب نامیده اند.

زنده یاد دکتر بهرام فره وشی ایرانشناس برجسته ی روزگار ما در گرامی نامه ای بنام «ایرانویچ» چاپ دانشگاه تهران که تا کنون شش بار بزرگ چاپ رفته و بیدرت نایاب شده است می نویسد: «... جهانگردان و باستانشناسانی که در زمانهای گذشته به ایران آمده اند، از روی پیکره ی بالدار کوروش بزرگ نگاره برداری کرده و فرتورهایی



نی در دست چپ نشان سیمرغ و گل نیلوفر آبی نشان اردویسور اناهیتا دو زخدای بزرگ ایرانی هستند در کنار هم جا گرفتن گلهای نیلوفر آبی در کناره ی پیراهن کوروش نشان همبستگی ملتها است. همانگونه که گل نیلوفر آبی و پاپیروس مصری در کنار هم در تندیس شاهنشاه داریوش نشان همبستگی دو ملت کهنسال مصر و ایران بوده است.

تاجی که بر سر کوروش است تاج پادشاهان مصر است که نماد دیگری است از چند فرهنگی بودن ایرانزمین.

این تاج با شکوه برخی از نمادهای هستی شناسی و جهان بینی مصر کهن را نشان می دهد که با نماد های هستی شناسانه در فرهنگ ایران بسیار نزدیک و در برخی



از زمینه ها این همانی دارند مانند:

(هارآس) فرزند خدای آسمان و روشنایی و زندگی در پینش مصری که با (ایزد مهر) ایرانی این همانی دارد اسیریس (پدر) یا خدای مرگ که با واژه ی مرد در زبان پهلوی که بُن مرگ است این همانی دارد.

آیزس مادر یا زن خدای طبیعت، ونیروی زندگی که با واژه (زن) در زبان پهلوی که بُن زندگی است این همانی دارد.

در زبان پارسی (زن) با (زندگی) و (مرد) با (مردن) همیشگی دارند. چنانچه در واژه ی امرداد نشان بیمرگی و یکی از فروزه های گوهر هستی بخش اهورا مزدا است در فرهنگ ایران گاو نماد ستایش جان است.

همه ی جانهای پاک در همین واژه ی «گاو» جا داده می شوند، در فرهنگ ایران «گاو» و «آدمی» هر دو از جنس آتش اند، در بُندهش آمده است که: اهورا مزدا در پنجمین گامهء آفرینش گاو را در ایرانویچ بر بالای رود وه دائیتی که درمیانه ی جهان است آفرید، آن گاو سپید و روشن بود چون ماه...

پس از گاو سپید و ماه گونه، کیومرث را بر بالای رود وه دائیتی در ایرانویچ آفرید روشن چون خورشید...

واژه ی گئوش در اوستا و در سرودها ی زرتشت همان است که امروز گاو می گوئیم، این واژه در بر گیرنده ی همه جانهای سود رسان است همانگونه که واژه ی گرگ در برگیرنده ی همه ی جانهای پلید و آسیب رسان است.

در سرود بیست و نهم یسنا یا دومین سرود زرتشت، اهورا مزدا و پرتوهای چند گانه او که وهومن و اشا و گئوش تشن که آفریدگار جهان زنده است در کنار هم دیده می شوند، و می بینیم که روان گئوش که همان گاو یا جهان زنده باشد بدرگاه اهورا مزدا خروش برمی کشد که برای چه مرا آفریدی، که مرا به کالبد هستی درآورد...



# شطرنج

## از هوشنگ مهر خداوندی

می‌شود با یاد گرفتن یک نکته به پیشرفت بیشتری نائل شد.

### نصیحت‌های شطرنجی

شروع بازی، وسط بازی و آخر بازی را می‌شود در آینده توضیح داد ولی چند نکته انجام دادنی و انجام ندادنی را به اطلاع می‌رسانم تا هر کدام را بطور مشروح در آینده به حضورتان خواهیم رسانید:

۱- سعی کنید نقطه ضعیف در اختیار قرار ندهید. نقطه ضعیف نقطه‌ای است که اگر مهره‌ای در آن قرار دادید توسط مهره‌های کوچکتر حریف قابل حمله نباشد.

۲- از حالت کیش برخاست همواره پرهیز نمائید.

۳- از اچمن شدن مهره‌های خود جلوگیری نمایند. اچمن شدن موفقی است که مهره شما طوری

قرار گیرد که با حرکت آن کیش شوید و یا مهره بزرگتر از آن درخطر گیرد.

۴- حمله را با حمله مقابل انجام ندهید.

۵- سعی کنید حتی‌المقدور برتری ۲ قبل را داشته باشید. یادتان باشد با دو متیل می‌شود حریف را مات کرد ولی با دو اسب این امکان وجود ندارد.

۶- مهره‌های بزرگ را بیهوده حرکت ندهید.

۷- از گرفتن مهره‌های رایگان (قربانی) خودداری نمائید.

۸- از دوبله شدن پیاده‌های خود دوری نمایند مگر اینکه موقعیت حمله‌ای دارید و یا برتری دیگری خواهید داشت.

۹- مهره‌های کم‌ارزش ترزا با مهره‌های با ارزش‌تر دفاع ننمائید برعکس مهره‌های کوچک را برای دفاع

قسمت سوم سلسله مراتب مربوط به شطرنج را با شرح یک دام دیگر ادامه می‌دهیم. در این دام (TRAP) سفید تصمیم می‌گیرد که بازی نیمه‌باز را ادامه دهد لذا حرکت اول خود را D۴-D۲ انتخاب می‌کند. سیاه در جواب سفید حرکت بدون خطر و تا حدی مطمئن D۵-D۷ را انجام می‌دهد. درباره این شروع بازی بعداً مفصلاً خواهیم نوشت. سفید در ادامه حرکت C۴-C۲ را برای بدست آوردن کنترل مرکز و باز کردن ستون C انجام می‌دهد هدف سفید از این حرکت (بطور خلاصه) ۳ برتری می‌باشد.

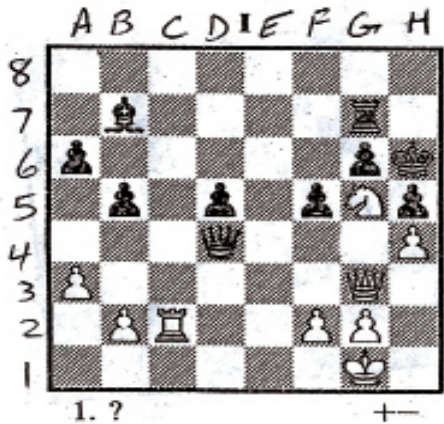
۱- باز کردن ستون حمله‌ای C و گذاردن رخ در آن  
۲- نهادن وزیر خود در خانه C۲ و آماده شدن برای حمله به خانه F۷ سیاه.

۳- آوردن اسب B به خانه C۲ بدون مانع شدن پیشرفت پیاده C. سیاه در جواب C۴-C۲ سفید حرکت مطمئن E۶-E۷ را انجام می‌دهد تا در صورت گرفته شدن پیاده D۵ توسط C۴ سیاه با گرفتن پیاده با پیاده E۶ کنترل مرکز را همچنان بطور مساوی در اختیار داشته باشد در ادامه سفید اسب خانه B۱ را به C۳ منتقل کند و با این حرکت به ۲ هدف خود می‌رسد ۱- کنترل و حمله بیشتر به خانه D۵ و گسترش اسب. سیاه در جواب اسب G۸ را به F۶ می‌برد تا در حین دفاع از D۵ گسترش خود را ادامه می‌دهد. سفید برای از کار انداختن اسب F۶ فیل خود را به G۵ منتقل می‌کند و با این کار اسب F۶ را اچمن می‌کند و گسترش خود را ادامه می‌دهد. سیاه در ادامه گسترش و محکم کردن اسب F۶ اسب خانه B۸ را به B۷ می‌برد و بدین ترتیب پیاده D۵ را بدون دفاع دیده و آنرا با C۴ می‌گیرد و سیاه که دام خود را گسترده می‌بیند آنرا با پیاده F۶ می‌گیرد. اگر وقت کنید سفید می‌تواند پیاده D۵ را با اسب بگیرد چون اسب F۶ را اچمن می‌بیند اما در گذشته تذکر داده شده که هر مهره را ارائه شده را بایستی فوری گرفت. سفید در دام افتاده و پیاده D۵ را با اسب C۳ می‌گیرد. سیاه در اینجا با گرفتن اسب D۵ بازی را ادامه می‌دهد. من مخصوصاً ادامه این بازی را که تا بحال صدها بار انجام شده در اینجا نمی‌نویسم تا خوانندگان ارجمند این مجله وزین خود دنباله آنرا ادامه دهند. لطفاً اگر در این مورد دارای مشکلاتی شدید با مجله تماس بگیرید تا بتوانیم توضیحات را ارائه نمائیم. خواهشمند است چندین بار این دو دام مهم را انجام دهید و نسخه آنرا حتی اگر شده حفظ نمائید تا در آینده در این دو دام (TRAPS) قرار بگیرید. در بخش بعدی یک دام مرسوم دیگر را توضیح می‌دهیم.

پیش از ادامه بحث این هفته پاسخ مسابقه شماره پیش را به آگاهی خوانندگان گرامی می‌رسانم. سیاه با حرکت اسب خود به F۵ بازی را تمام می‌کند. اینقدر این بازی شطرنج گسترده می‌باشد که هر روز

از مهره‌های بزرگتر استفاده نمایند. اینها قسمتی از ناپایدهای شطرنج بود که در شماره آینده بایدها را به آگاهی می‌رسانیم و درباره آن مثال خواهیم زد تا کاملاً روشن شود. و اما مسئله این شماره بهترین حرکت سفید را مشخص نمائید و به برنده جایزه‌ای داده خواهد شد.

بهترین حرکت سفید چیست؟



بیاید پارسی بگویم و پارسی بنویسیم

انواع: گونه‌ها

ایثار: از خود گذشتگی

اغلب: بیشتر

اعیاد: جشن‌ها

رفیق: دوست

اعداد: شماره‌ها

استعلام: جستجو، پرسش

شعور: هوش، خرد

خفاش: شبکور

رعنا: زیبا، خوشگل

دهش‌های شما نیک اندیشان این ماهنامه را در راه فرهنگ ایران توان‌تر می‌سازد، با دهش‌های خود ما را در این راه یاری سازید.

### اشکان ذهبی Ashkan Zahabi

Tax Preparation and Financial Analysis

Business Advisory and Corporate consulting

انجام کلیه خدمات حسابداری و تهیه فرم‌های مالیاتی  
تشکیل و انحلال شرکتها / مشاوره مدیریتی و برنامه ریزی

AUTHORIZED E-FILE PROVIDER

714- 907-6248

949-387-2070

Office in Irvine, CA

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
													۱
													۲
													۳
													۴
													۵
													۶
													۷
													۸
													۹
													۱۰
													۱۱
													۱۲
													۱۳

۱- نام کشوری است- نام شهر بزرگی است در اروپا - ۲- نوعی لوبیا - پاک و بی غل و غش  
 ۳- در آنجا ادوات جنگی فراهم میشود - با درخت دوستی ندارد- ۴- بدون حرف چهارم حمام هنوز خشک نشده - ترسو - ۵- اسمی است رومی - وکیل - ۶- شرف به یال اوست - خطاب به فردی از اقوام دلیر ایران- ۷- جا به جا شده آینه - از آنطرف درو گوهر است - گاهی پیشوند و گاهی پسوند است- ۸- گفتگوی کامپیوتری - در استرالیا پیدا میشود- با ناله می آید - ۹- غوز پنبه - حرف آخر را عوض بکنید یک چاشنی محلی است - خشک نیست - ۱۰- میگویند خوب آن از دوست بهتر است - هر گزنه ۱۱- جواب تک - میوه خوب - بر خلاف دام است- ۱۲- نوعی آتشفشان است- معروف ۱۳- اسم کوچک آیزنهاورد- اسمی است دخترانه - اینهم میوه است ۶ گوش.  
 عمودی - ۱- جانوری است کوچک که در جاهای نمناک و لب دریا زندگی میکند- کشتی ان معروف است - همان هیاد بیمعنی است - ۲- نوعی غذای پر خاصیت است- همینطور هم گوجه فرنگی است  
 ۳- طی شب - پاکیزگی بی آب ۴- بعضی ترمزها اینطور هستند- شهری معروف در هند ۵- با ستارگان آشنا شدن - تکرار حرف آخر- ۶- دست افزاری است منتسب به فرانسه - از آنطرف پایان نامه است  
 ۷- اینهم کاشتنی است اما سبز نشدنی - گاهی با گور همراه است ۸- نه جثه در هم - با تغییر حرف یکی مانده به آخر معنی اسامی چند خانم هم اسم را میدهد ۹- خط کش مهندسی - در کار ورزشی بخصوص استاد است- این نیست پس؟ ۱۰ - علامتی است در نوشتن با تبدیل حرف آخر ۱۱- یار..... بدستم داد و دستم بوی دست او گرفت- رئیس ۱۲- محتاج - از آنطرف گاهی با تب می آید- ۱۳- به ما میگوید که باید دوطرفه باشد

بو یا با گویش اوستایی: (بئوذ) یکی از نیروهای شناخت شایست و ناشایست در نهاد آدمی دانسته می شود، امروزه از داده های دانش زیست شناسی می دانیم که آدمی تنها از راه بوییدن و بدون بهره گیری از دیگر سہش های تنی خود می تواند ده هزار گونه چیز را شناسایی کند، برای نمونه با چشمان بسته و تنها از راه بوییدن می تواند نفت و ماهی و سیر و پیاز و بنزین و گل سرخ و ده هزار چیز دیگر را بشناسد، از اینرو بو یا بئوذ یکی از کارمایه های شناخت شایست و ناشایست دانسته شده است، هنوز هم در زبان پارسی زبانزدهایی بکار می بریم مانند: «... من بو بردم که چنین می شود، یا فلائی بو برده است...».

چهارمین نیروی شناخت شایست و نا شایست در نهاد آدمی آینه یا دین است.

آینه ابزاری است که ما بدستاری آن می توانیم خود را ببینیم و بشناسیم، این خود شناسی سرآغاز هستی شناسی است، هنوز هم در زبان پارسی زبانزدی داریم که می گوید: خود را بشناس تا خدای خودت را بشناسی، کسی که خویشتن خود را نشناسد چگونه می تواند ارزشهای فرمانروای بر هستی را بشناسد؟ برای رسیدن به این گامه ی شناخت باید کار را از خود شناسی آغاز کرد و برای این کار آینه ای باید...

مولوی بلخی این چهار نیروی درون را چهار پر پرواز آدمی برای پرواز بسوی جاودانگیها و بیکرانگیها دانسته و در چامه بسیار دل انگیزی می گوید:

تو مرغ چهار پری تا بر آسمان پری  
 تو کجا و ره بام و نردبان کجا  
 می گوید:

تو مرغی هستی دارنده ی چهار پر پرواز که بیارمندی آنها می توانی بر فراز بام هستی در جاودانگیها و بیکرانگیها بپرواز درآیی، ترا با بام و نردبان چکار!! این بام و نردبان اشاره به آموزه های دینی و بنیاد های شریعت است که مولوی و دیگر هستی شناسان ایرانی از آن بیزاری نشان می دهند.

بنا براین این چهار پر یا بالهای شاهین بر پیکر کوروش بزرگ نشان دهنده پیشرفت - فراپویی هستی شناسی - والامندی - مهر گستری - شادی پراکنی و آزادمنشی و آزادی است.

من در سال ۱۹۹۰ بنیاد فرهنگ ایران را در شهر سیدنی بنیاد گذاری کرده و در سال ۱۹۹۴ در جشنواره ی بزرگی که بزرگترین رخداد فرهنگی در برون از مرزهای میهن نامیده شد، تندیس فرور کوروش بزرگ را در پارک المپیک سیدنی برپا کردم.

از همان زمان آرمان برپا کردن این تندیس در دیگر شهرها و کشورهای جهان در دل من زبانه کشید و خواب و آرام از من گرفت، تا آنجا که در سال ۲۰۰۵ بدیدار استاد

چشم بد و در جهان بینی ایرانی بشوند پوست اندازی سالیانه اش نشان نوشوندگی است، (به فرتورهای زیرین نگاه کنیم):

می رسیم به بالهایی که بر پیکر کوروش بزرگ دیده می شوند. پیش از اینکه به گزارش این بالها بپردازیم بد نیست که نگاهی به نگاره فرور داشته باشیم:

نگاره ی فرور را دستکم از زمان روی کار آمدن پادشاهی ماد در ایران می بینیم، این نگاره چه در زمان پادشاهی ماد و چه در دوران هخامنشی و سپس تر در دوره ی اشکانی و سرانجام در دوره ی ساسانی همواره نشان ملی و میهنی ایرانیان بوده و مردی را نشان می دهد که بالهای شاهین برپیکر خود دارد.

این بالها نشان بلند پروازی و توانمندی و پیشرفت و فراپویی است.

ایرانیان برای آن نیروی مینوی که جهش و جنبش و پیشرفت و فراپویی را در پی می آورد هیچ نمادی را شایسته تر از شاهین نیافتند که هم بلند پرواز است و هم تیز پرواز، بنا براین آنچه را که نشانه ی فر و شکوه و فرامایگی می دانستند با بهره گیری از نماد های شاهین و آدمی بهم آمیختند و بگونه ای در آوردند که امروز گردن آویز هر زن و مرد ایرانی است.

نگاره ی فرور چهره و سیمای پیری فرزانه و جهان دیده را دارد.

دو بال در پهلوها که هر یک سه پر دارند.

این سه پر نشانه ی اندیشه ی نیک-گفتار نیک- و کردار نیک اند که بنمایه فراپویی و پیشرفت بسوی جاودانگیها و بیکرانگیها است.

در پایین تنه فرور سه بخش، پرهایی بسوی پایین است، که نشانه پندار و گفتار و کردار نادرست و یا فرو پایگی هستند.

یک دست فرور اندکی به سوی بالا و به سپنتا مینو اشاره دارد که نشان دهنده سپاس و ستایس اهورامزدا و راهنمایی آدمی بسوی والایی و راستی و درستی است.

در دست دیگرش چنبری است که هم نشان پیماننداری است و هم نشان توانمندی و شهریاری.

ایرانیان در بسیاری از دوره های تاریخ درفشهای خود را به سیمای شاهین آراسته می کردند، بنا براین مرد بالدار برای ایرانیان به هیچ روی چهره ی ناشناخته ای نبوده است.

از سوی دیگر در هستی شناسی یا عرفان ایرانی ، آدمی با چهار نیروی بالنده و کارآمد زاده می شود، این چهار نیرو بترتیب چنین اند:

جان - روان- بو - و آینه یا دین .

جان و روان را می شناسیم و کرد و کارشان را نیز می دانیم ، ولی شاید کاربرد بو و آینه را در نهاد آدمی آنچنان که باید نشناسیم.

درفش کویان که از پوست گاو ساخته شده بود نشان ستایش جان بوده است، این درفش که در یورش تازیان بر خاک افتاد و بدست تازیان تکه تکه شد و سنگهای گرانبهای آن بتاراج رفت، همواره پیشاپیش سپاه برافراشته می شد تا سپاهیان ایران همواره بیاد داشته باشند که کشتن زیستمدان کشتن زندگی است و آزردن جان آزردن خوشه ی جانها است که همان گوهر هستی بخش خدا است، تا رزمندگان ایرانی همواره بیاد داشته باشند که برای پدافند از ارزشهای والای میهنی بمیدان آمده اند نه برای کشتن و آزردن جان.

جایگاه گاو برمایون را در پرورش فریدون فراموش نکنیم که اگر این گاو نبود ما هنوز گرفتار بیداد ضحاک بودیم، گرزه ی گاو سری را که فریدون بدست گرفت تا ضحاک را براندازد فراموش نکنیم همان گرزگی که سپس تر آن را در دست رستم می بینیم.. و کلاه خود رستم را که سر گاوی بود با دو شاخ تیز...

بنابراین جایی برای شک ورزیدن بر جای نمی ماند که گاو از والاترین جایگاه در هستی شناسی و جهان بینی ایرانی برخوردار است، از این رو نباید شگفت زده شد که دو شاخ گاو بر تاج کوروش چه می کنند؟ همین شاخ های گاو بر سر کوروش بزرگ اند که او را شبان ملتها می کنند و نشان می دهند که او شبان جانها است، این واژه ی شبان را پیامبران یهود برای کوروش بکار برده اند، اشعیا نبی در فرگرد چهل و چهارم از گرامی نامه ی خود می نویسد: خداوند در باره ی کوروش می فرماید که او شبان من است و تمامی مشیتم را به اتمام رسانیده است.

دو مار کبرا که در دو سوی این تاج بر روی دو شاخ گاو بالا برافراشته اند درجهان بینی مصر کهن دور کننده ی



## رستم شهزادی

چون او، انسانم آرزوست...

زاستاد چو وصف جام جم بشنودم

خود جام جهان نمای من بودم

ایدریاد باد انوشه روان دستور «رستم

دینیار شهزادی» دستور بزرگ زرتشتیان

ایران و پیشوای فرزانه‌ی زرتشتیان جهان،

فخر آزادگان و سرمشق خداجویان و دین

باوران راستین. آن بزرگ مرشدی که

وجود بی‌مانندش به راستی جام‌جهان‌نمای

جم می‌بود. چون سرچشمه‌ای بود جوشان

از راستی و معدنی بود غنی از دانش

توحیدی، پاکمردی که در سراسر عمر

پربرکتش با اندیشه، گفتار و کردار نیک

زیست. آن آموزشگار بزرگی که در راه

شناساندن حقیقت آموزه‌های اشوزرتشت

هر سختی، ناهمواری و ناملایمتی را به

جان خویش خرید و چه بسیار که در این

راه مورد طعن و لعن گروهی از همکیشان

متعصب و جاهل خود قرار گرفت. اما چون

دماوند، استوار و پابرجای تا آنجا که

توان داشت در راه سربلندی دین و ترویج

دینداری کوشید. عمری با سادگی زیست و

در طی طریق طریقت گدازنده اشوزرتشت،

عاشقانه، سوخت ... به راستی که دستور

رستم شهزادی تجسم زنده یک اشون و

بحق سوشیانت زمان بود.

زنده یاد، فرزانه‌ی دانشمند، دستور رستم

شهزادی فرزند دستور دینیار شهزادی،

در سومین روز فروردین ماه سال ۱۲۹۱

خورشیدی در یزد، (کوی دستوران) دیده

به جهان گشود.

نخست تحصیلات

ابتدایی را در

دبستان دینیاری

یزد پشت‌سر

گذاشت، از آنجائی

که در یزد امکانات

ادامه تحصیل در

دبیرستان برایش

وجود نداشت و

ذهنش مشتاق

علم بود از سوی

کنکاش موبدان یزد به

همراه روانشاد «دستور

فیروز آذرگشسب» به تهران

برای ادامه تحصیل اعزام

شد.

در ابتدا به مدت پنج ماه در

دبستان جمشید جم تحت

مدیریت شادروان سهراب

سفرنگ ادامه تحصیل داد و

با مقدور شدن امکان تحصیل

در دبیرستان البرز که در آن

زمان به نام «کالج آمریکایی»

خوانده می‌شد و از برجسته

ترین دبیرستان‌های ایران

بود، تحت نظارت شادروان «دستور رستم

ماونداد» به ادامه تحصیل مشغول شد.

نظر به اینکه وی انسانی با هوش و

سرشار از استعداد‌های گوناگون بوده

و حافظه قوی‌ای هم داشت، به پیشنهاد

پاکمرد بزرگ شادروان میرزا سروش

لهراسب، کنکاش موبدان یزد در سال



۱۳۰۷ خورشیدی با هزینه خویش ایشان را به همراه دستور فیروز آذرگشسب به منظور کسب آموزش‌های عالی در زمینه دین زرتشتی و احاطه کامل بر زبان‌های اوستایی، پهلوی، پارسی و مسایل تطبیقی ادیان به مرکز عالی پژوهش‌های دینی «کاماتوران» که دانشکده و پژوهشگاهی است ویژه تربیت موبدان دانشمند در هند، اعزام کرد.

دستور رستم شهزادی در سال ۱۳۱۴ پس از فراغت از تحصیل به ایران مراجعت و از همان بدو ورود از طرف انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی به سرپرستی پرورشگاه مارک‌ایزد که در آن زمان تحت مدیریت «میرزا سروش لهراسب» اداره می‌شد، انتخاب گردید. دستور شهزادی در این دوره سه ساله به تدریس دروس دینی، زبان انگلیسی، تاریخ و جغرافیا در دبیرستان مارکار یزد مشغول بود. دستور رستم شهزادی از همان جوانی همکاری خویش را با کنکاش موبدان یزد آغاز کرده و در ایام تعطیل گاه پیاده و گاه با دوچرخه به گهنبار خانه یزد و نقاط مختلف دهات

زرتشتی نشین می‌رفت و به ایراد سخنرانی‌های دینی و فرهنگی و پاسخ‌دادن به پرسش‌های دینی مردم مشغول می‌شد. آن بزرگوار هیچگاه این کوشش‌های مقدس را در طول زندگی پربرکتش متوقف نساختند.

مجموعه این سخنرانی‌ها به کوشش دخت گرامشان، بانو مهرانگیز شهزادی (باستانی) در قالب کتابی تحت عنوان «مجموعه سخنرانی‌های موبد موبدان رستم شهزادی» به زیور طبع آراسته گردیده است.

در سال ۱۳۲۵ بنا به دعوت انجمن زرتشتیان تهران به منظور تعلیم دروس دینی و زبان انگلیسی

در دبیرستان‌های پسرانه فیروز بهرام و دخترانه انوشیروان دادگر، به همراه همسر و یک فرزند به تهران نقل مکان کردند و دستور این فرصت را غنیمت شمرده و در کنکور دانشکده حقوق دانشگاه تهران شرکت کرد که پس از قبولی به مدت سه سال به تحصیل پرداخت و لیسانس خود را



نمای دبیرستان فیروز بهرام



با پایان‌نامه‌ای با درجه عالی به نام «قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان» که ترجمه‌ای است به فارسی از متن پهلوی «ماتیکان هزارداتستان» دریافت داشتند.

به سال ۱۳۳۱ دستور شهزادی به استخدام وزارت فرهنگ و آموزش عالی درآمد و چندی بعد نیز در سال ۱۳۳۸ مسئولیت کتابخانه اردشیر یگانگی را نیز عهده‌دار شدند و البته همزمان به کار در اداره اعزام دانشجوی به خارج از کشور نیز نظارت می‌نمود. در دیماه سال ۱۳۳۹ برای نخستین بار دستور رستم شهزادی در تلویزیون ملی ایران به ایراد سخنرانی پرداخت، موضوع آن سخنرانی «برابری و برادری در دین زرتشتی» بود که ایشان در آن برنامه شجاعانه از این موضوع دفاع کردند که به دلیل سخنرانی ارزشمندشان از جانب روانشاد ارباب رستم گیو که در آن زمان ریاست انجمن زرتشتیان تهران را عهده‌دار بودند، تقدیرنامه دریافت نمودند.

به سال ۱۳۳۹ که نخستین کنگره جهانی زرتشتیان در تهران برگزار گردید، دستور رستم شهزادی به سمت دبیری کنگره و گزارش‌نویسی آن انتخاب شد. از سال ۱۳۴۲ دستور به دعوت سازمان فروهر به عنوان رئیس افتخاری کلاس‌های عالی دینی انتخاب گردید. در سال ۱۳۵۲ پس از بازنشسته شدن شادروان سهراب سفرنگ، دستور رستم شهزادی از طرف دولت موقت با معرفی‌نامه انجمن زرتشتیان به دلیل داشتن لیسانس حقوق قضایی به سرپرستی دفترخانه ازدواج زرتشتیان انتخاب گردید که تا پایان عمر نیز این وظیفه را به خوبی انجام می‌داد. در سال ۱۳۵۸ با وجود ناآرامی اوضاع و بمب‌گذاری‌های متعددی که از طرف مخالفان در نهادهای مملکتی می‌شد، دستور رستم شهزادی چون دوستدار ایران و نگرش سرنوشت جامعه زرتشتی بود، شجاعانه دعوت انجمن زرتشتیان و آرای عموم زرتشتیان را پذیرفت و حاضر شد برای تدوین قانون اساسی کشور در نخستین مجلس خبرگان قانون اساسی انجام وظیفه کند. در جلسات همواره کوشش می‌کرد که حق و حقوق زرتشتیان و دیگر پیروان ادیان الهی را یادآور شود و بر بسیاری از باورهای ملی و مذهبی تأکید می‌کرد. یکی از بزرگ‌ترین اقدامات ایشان تثبیت سه رنگ پرچم ایران در تدوین قانون اساسی جمهوری ایران بود. دستور شهزادی با پدید آوردن روح برادری در دل دیگر باشندگان در جمع خبرگان قانون اساسی و ایراد توضیحات بایسته سبب شد که در رأی‌گیری به عمل آمده، سه رنگ پرچم ایران بدون تغییر تصویب شود.

دستور شهزادی پس از انقلاب ۱۳۵۷ هم به همکاری مداوم خود با انجمن‌ها و سازمان‌های زرتشتی ادامه داد، سال‌ها ریاست کنکاش موبدان راه به عهده داشت و روز به روز با روحیه‌ای خستگی‌ناپذیرتر بر تلاش‌هایشان می‌افزود به طوری که در کنگره جهانی زرتشتیان در نقاط مختلف جهان همیشه به عنوان سخنرانی چیره‌دست شرکت می‌کرد. دستور شهزادی با گشاده‌رویی تام و مهربانی، تمام وقت در اختیار پژوهشگران دین زرتشتی و

دوستداران فرهنگ ایرانی بود و به حل و فصل مسایل دینی زرتشتیان در نقاط مختلف جهان همیشه به عنوان سخنرانی چیره‌دست شرکت می‌کرد. دستور شهزادی با گشاده‌رویی تام و مهربانی، تمام وقت در اختیار پژوهشگران دین زرتشتی و دوستداران فرهنگ ایرانی بود و به حل و فصل مسایل دینی زرتشتیان می‌پرداخت و همواره در دفتر کارش راهنمای محققان و پرسشگران بود. به دلیل اطلاعات گسترده ایشان دعوت به عمل می‌آمد و در گفتگوهای تلویزیونی و مطبوعاتی نیز حضوری فعال داشت. دستور به تعلیم دادن و آموزش بسیار علاقه‌مند بود، به طوری که حتی در دوره بازنشستگی نیز کار خود را در وزارت فرهنگ و آموزش عالی ادامه داد و حتی در شش ماه آخر عمر پربرکتش که نخست در بخش مراقبت‌های ویژه‌ی بیمارستان و نیز در بستر بیماری در منزلشان می‌گذشت، با کمک دختر گرامیشان به مکاتبات و ارتباطش با جامعه ادامه می‌داد.

دستور رستم شهزادی ۶۵ سال به طور جدی سخنرانی و نویسندگی کرد و در مجموع بیش از هزار سخنرانی و صدها نوشته و ده‌ها عنوان کتاب چون:

۱- ترجمه متن پهلوی «ماتیکان هزار داتستان» = قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان]

۲- آوانویسی و ترجمه‌ی کتاب مقدس «خرده اوستا»

۳- ترجمه‌ی سرودهای مینوی «گات‌ها»

۴- «زرتشت و آموزش‌های او»

۵- «زرتشتیان یکتاپرستند»

۶- «جهان‌بینی زرتشتی»

۷- «سیری در آموزش‌های گات‌ها»

۸- «واژه‌نامه پازند»

۹- «دین و دانش» کتاب آموزش دینی دانش‌آموزان اول دبیرستان

۱۰- ترجمه به فارسی کتاب بسیار ارزشمند Oasdstrain Theology اثر شمع‌العلماء

دستور دکتر مانجی نوشیروانجی دهالا

۱۱- ترجمه به فارسی کتاب «زناشویی در ایران باستان» اثر دستور جمشید کاووس جی کاتریک

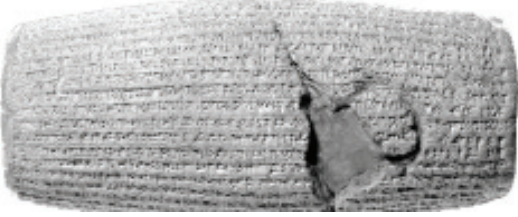
۱۲- ترجمه‌ی به فارس کتاب «آموزش‌های زرتشت پیامبر ایرانی» اثر دکتر تهمورس ستنا

دریغا که سعادت بهره‌مندی ما از این اسوه‌ی ایمان و گنجینه‌ی علوم مزدیسنی و چشمه جوشان معرفت توحیدی بیش از این نبود و در نهایت تأسف در ۲۳ اسفند ماه سال ۱۳۷۸ دستور بزرگوار، آن پاکمرد آزاده، پیر حقیقی راه اشوزتشت پس از سال‌ها زندگی پربرکت چشم از گیتی فرو بست و عاشقانش را در فراق خویش تنها گذاشته، به سوی مینو جهان بشتافت...

دردا که پاکباز جهان، از جهان برفت. پاک آنچنان که آمده بود، از میان برفت از پیشگاه پروردگار یکتا و بی‌همتا برای روان وی «وهیستم اهوم اشه انام رانچنگهم ویسپو خواترم»

[بهشت روشن و سراسر شادی جایگاه پرهیزکاران] را آرزومندیم. ایدون باد.

## منشور فرمان آزادی کورش بزرگ به فانه باز آمد



پیش از میلاد به هنگام آزاد سازی بابل صادر شده است و از رفتار انسانی کورش بزرگ با مردم به هنگام آزاد سازی بابل و احترام به همه ابعاد حقوق بشر توسط او حکایت می‌کند. منشور حقوق بشر کورش در سال ۱۹۷۱ میلادی از سوی سازمان ملل به بسیاری از زبان‌های رسمی آن سازمان ترجمه و منتشر شد و نسخه ای از آن در مقر اصلی سازمان ملل در شهر نیویورک در محیط بین تالار اصلی شورای امنیت و تالار قیومیت نگهداری میشود.

### پیمانکار شرکت نفت، گستره اشکانی را ویران کرد

«این گستره اشکانی در خاور اهواز در ۳۵ کیلومتری یک روستای کوچک، در مرز اهواز در رامهرمز است. هم اکنون، پیمانکار شرکت نفت برای دسترسی این شرکت به پروژه هایش، این راه کوچک روستایی را گسترانید و با این کار، آسیب بسیاری به این اثر باستانی رسانده است.» این گستره بیش از ۱۵۰ هکتار است. به گفته گهستونی، سازمان میراث فرهنگی خوزستان با وجودی که از این رخدادها آگاهی دارد تاکنون هیچ واکنشی برای پاسداری از این گستره بزرگ باستانی نشان نداده است. چندین باستان شناس از این گستره دیدن کرده اند، آثار یافت شده، سفالها، دیوارها و نقش‌ها همگی شاخصه های روزگار اشکانی را دارند.» وی از پیدا شدن یک سنگ نگاشته نیز خبر داد که بر روی آن خطاها و اشکال پراکنده ای وجود دارد. گهستونی اظهار نظر درباره ی این سنگ نگاشته را وابسته به بررسی‌های بیشتر سنگ نگاشته، برشمرد. بر پایه ی سخنان گهستونی ویرانی این گستره اشکانی از دهه ۷۰ خورشیدی با راه سازی جهاد سازندگی آغاز شده است. راهی که جهاد ساخته، یک راه کم پهنای روستایی بوده در که شرکت نفت با ساخت راهی گسترده به کمک بیل‌های مکانیکی بزرگ، آسیب‌هایی جبران ناپذیر بر این گستره وارد کرده است. در این گستره، یک سازه به درازای ۲ متر، پهنای ۶ متر و بلندای ۲ متر وجود دارد که با سنگهای چهار تراش و ملاتی از ساروج ساخته شده است. این سازه میتواند یک آرامگاه بزرگ از روزگار اشکانی باشد

بابل در میان رودان، توسط هرمز رسام، باستان شناس بریتانیایی پیدا شد و از آن زمان تاکنون در بخش ایران باستان موزه بریتانیا در شهر لندن نگهداری میشود و تنها یک بار به هنگام جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی برای چند روز به ایران آورده شد و به نمایش در آمد.

این استوانه که از آن با عنوان‌هایی همچون نخستین منشور حقوق بشر یا منشور آزادی بشر نام برده میشود در بر گیرنده فرمان کورش بزرگ هخامنشی به خط و زبان بابلی نو (اکدی) است که در سال ۵۳۸

ک بیش از صد و سی سال است در بخش ایران باستان موزه بریتانیا نگهداری می شود. توسط جان کرتیس مدیر بخش خاور میانه موزه برتانیای به صورت پلمپ شده و با حفاظت ویژه به موزه ملی ایران تحویل و در خزانه آن قرار گرفت.

منشور حقوق بشر کورش بزرگ از جنس گل رس پخته با ۲۳ سانتیمتر طول و ۱۱ سانتیمتر عرض است که به فرمان کورش بزرگ شاهنشاه هخامنشی ساخته شد و در ساله ۱۲۵۸ خورشیدی هنگام کاوش‌های باستان شناسی در ویرانه‌های

مراسم رونمایی از منشور حقوق بشر کورش بزرگ با باشندگی بسیاری در موزه ملی ایران برگزار شد. منشور حقوق بشر کورش چندی پیش وارد ایران شد تا به مدت چهار ماه به صورت امانت در موزه ایران باستان در پیش روی دیدار کنندگان و دوستداران فرهنگ و تمدن ایران قرار گیرد. استوانه کورش با حضور رئیس موزه بریتانیا و نمایندگانی از دو کشور ایران و انگلستان از محفظه ویژه خارج و پس از اعتبار سنجی برای نمایش همگانی آماده شد. این سند معتبر تاریخی ایرانیان

### دکل‌های برق، آرامگاه فردوسی

را از میراث جهانی دور کرد.

این دکل در جای خود ماند و کل نمای آسمانی توس را بر هم زد.

پیش از این یک باستان شناس پیشکسوت گفته بود تا آنجایی که امکان دارد نباید لایه‌های باستانی شهر توس مضطرب شود. بهتر است از کندن زمین جلوگیری شود و باید مراقب لایه باستانی این شهر تاریخی بود.



نصب دکل‌های برق شانس پیوستن به میراث جهانی را از شهر توس و آرامگاه فردوسی دور کرد.

با وجود مخالفت‌های بسیاری که با نصب دکل‌های برق در توس شد، کابل‌های برق از دکل‌ها گذر کرد و خطی بر پرونده ثبت جهانی آرامگاه فردوسی و شهر زادگاهش کشید.

از میان ۸ دکل موجود در محدوده شهر تاریخی توس، یک دکل درست در پشت آرامگاه واقع شده که بیشترین مخالفت‌ها را به خود اختصاص داده است. این دکل درست در منظر آسمانی آرامگاه است و مثل شاخ، پشت آرامگاه دیده میشود. مدیران پایگاه فرهنگی توس بارها به حضور این دکل اعتراض کرده بودند اما

### آتش به جان باغ هلاکتاری شهدای زرتشتی افتاد

چشم به راه گزارش آتش نشانی است و در صورتی که سخنی از عمدی بودن این آتش سوزی شده باشد، انجمن تاره شکایت خواهد کرد. خسرویی گفت: «آتش سوزی درست در جایی که قرار است جاده کمکی بسیج از آن، بگذرد، رخ داده است.» جاده ی کمکی بسیج، طرحی ملی است که شهرداری چندی است ساخت آن، است. بخش‌هایی از این راه، از زمین‌های (آرامگاه زرتشتیان) «قصر فیروزه» از انتهای «باغ شهدا» می‌گذرد که با توجه به وقف بودن زمین قصر فیروزه، داستان دادن زمین به شهرداری، هنوز ادامه دارد. بخشی از این راه از زمینی می‌گذرد که وقف انجمن زرتشتیان ایران است و اکنون در دست سپاه است.

دوشنبه، ۱۷ خرداد ماه، درخت انگور، انار و توت که در این بخش از زمین‌های باغ بودند، بی‌گونه سوختند. باغ شهدا، بخشی از زمین‌های وقفی «قصر فیروزه» است که گستردگی ۳۰ هکتاری دارد و جزو املاک وقفی آرامگاه زرتشتیان انجمن زرتشتیان تهران است. سیروس پشتونی که از مهر ماه سال گذشته به عنوان مستجر انجمن، در این باغ مشغول ساماندهی است، گفت: آتش سوزی میان ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۴ درست هنگامی که کارگران برای استراحت و خوردن ناهار، در باغ نبودند، رخ داده است.» به گفته وی، آشنیشانی ساعت ۱۵ به محل رسیده و آتش را مهار کرده، اما او و کارگران تا نیمه ی شب با آب و خاک، کار کرده اند تا آتش به گونه ای کامل خاموش شده است. سیروس پشتونی گفت: «افزون با درخت‌های باغ، موتور چاه آب هم سوخته است.» به گفته پشتونی، بخش‌هایی از لوله ی رابطی که برای آبرسانی، هم اکنون مشکلات آب، دامن درختانی که جان سالم به در برده اند را، گرفته است. باغ شهدا دو موتور چاه آب داشته که با این آتش سوزی، یکی از آنها از کار افتاده است. رستم خسرویی، فرانشین انجمن زرتشتیان تهران، پیرامون این رخداد، گفت: «تا آنجایی که از شواهد بر می‌آید، این آتش سوزی عمدی بوده است.» به گفته وی، انجمن هم اکنون

### پیدا شدن دو شهر ساسانی و یک آتشگاه در ایران مرکزی

بر جای مانده های دو شهر ساسانی و یک آتشگاه، برای نخستین بار در ایران مرکزی، در دل گستره تاریخی باستانی ویگل در جنوب شهرستان آران و بیدگل یافت شد. سرپرست هیأت کاوش گفت در این گستره از گنجایش بسیار بالایی برای پژوهش و کاوش‌های باستانی برخوردار است. او گفت: «در این فصل از کاوش، گستره ای بسیار بزرگ، نزدیک به ۱۰۰ هکتار را پیدا کردیم، گستره ای که دو شهر متروکه ساسانی را که زیر ریگ‌های روان پنهان شده بودند، در دل خود داشت.»

کاوش‌های انجام شده، زندگی در این دو گستره ساسانی تا روزگار اسلامی و پایان دوره ی سلجوقی ادامه داشته است. مسئول بخش باستان شناسی میراث فرهنگی اصفهان به یک آتشدان در بخش مرکزی این آتشگاه ساسانی اشاره کرد و گفت هم اکنون بخش بالایی این آتشدان نیست اما پایه آن که دارای گچ بری‌های زیبایی است، هنوز پا بر جاست. بنابه گزارش، این کشف را نخستین مورد در ایران مرکزی بر خواند که در آن یک سازه مذهبی ساسانی و متفاوت با نمونه های پیشین به دست آمده است چرا که ساختار این سازه از گل و چینه است در حالی که بسیاری از سازه‌های مذهبی مانند آتشکده‌های نیاسر و نطنز در همین محدوده از خشت ساخته شده اند.

### ماهنامه زرتشتیان

### آگهی می‌پذیرد

تلفن

۷۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷

### یک زرتشتی فرنشین دادگستری هند شد

قاضی «سروش همی کاپادیا» (Saroh Homi Kapadia)، در پی دریافت حکمی از «پریتا دویسینگ پتیل»، رییس جمهور هندوستان، بر بلند پایه ترین جایگاه قضایی این کشور تکیه زد. به گزارش «اینڈیا تایمز»، خبرگزاری رسمی هندوستان، قاضی کاپادیا، در پی بازنشستگی قاضی «بالاکریستان» (K G alakrishnan) فرنشین پیشین دادگستری هندوستان، این مقام رسمی کشور هند را دریافت کرده است. او از سال ۱۹۷۴ میلادی به عنوان وکیل مدافع، به دادگستری این کشور راه یافت و از سال ۱۹۹۱ تاکنون به عنوان قاضی، در رده های گوناگون حقوقی هند، سرگرم کار بوده است.

« فانه ای پر دوست »

نادر نادر پور

در هرچه هست و نیست

من دلم می خواهد  
خانه ای داشتم پر دوست  
کنج هر دیوارش  
دوستهایم بنشینند آرام  
گل بگو گل بشنو  
هر کسی می خواهد  
وارد خانه پر عشق و صفایم گردد  
یک سبد بوی گل سرخ  
به من هدیه کند  
شرط وارد گشتن  
شست و شوی دل هاست  
شرط آن داشتن یک دل بی رنگ  
وریاست  
بر درش برگ گلی می کوبم  
روی آن با قلم سبز بهار  
می نویسم ای یار  
خانه من اینجاست  
تا که سهراب نپرسد دیگر  
"خانه دوست کجاست؟"

در مرگ عاشقانه نیلوفران صبح  
در رقص صوفیانه اشباح و سایه ها  
در گریه های سرخ شفق برغروب زرد  
در کوهپایه ها  
در زیر لاجورد غم انگیز آسمان  
در چهره زمان  
در چشمه سار گرم و کف آلود آفتاب  
در قطره های آب  
در سایه های بیشه انبوه دور دست  
در آبشار مست  
در آفتاب گرم و گدازان ریگزار  
در پرده غبار  
در گیسوان نرم و پریشان بادها  
در بامدادها  
در سرزمین گمشده ای بی نشان و نام  
در مرز و بوم دور و پریوار یادها  
در نوشخند روز  
در زهر خند جام  
در خال های سرخ و کبود ستارگان  
در موج پرنیان  
در چهره سراب  
در اشک ها که می چکد از چشم آسمان  
در خنجر شهاب  
در خط سبز موج  
در دیده حباب  
در عطر زلف او  
در حلقه های مو  
در بوسه ای که می شکنند بر لبان من  
در خنده ای که می شکند بر لبان او  
در هر چه هست و نیست  
در هر چه بود و هست  
در شعله شراب  
در گریه های مست  
در هر کجا که می گذرد سایه حیات  
سر مست و پر نشاط  
آن پیک ناشناخته می خواندم به گوش  
خاموش و پر خروش :

کانجا که مرد میسترد نام سرنوشت  
و آنجا که کار میشکند پشت بندگی  
رو کن به سوی عشق  
رو کن به سوی چهره خندان زندگی

بی تو مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم  
همه تن چشم شدم  
خیره به دنبال تو گشتم  
شوق دیدار تو لبریز شد از جم وجودم  
شدم آن عاشق دیوانه که بودم

در نهان خانه جانم گل یاد تو درخشید  
باغ صد خاطره خندید،  
عطر صد خاطره پیچید،

یادم آمد که شبی با هم از آن کوچه گذشتیم  
پر گشودیم و در آن خلوت دلخواسته گشتیم

ساعتی بر لبه آن جوی نشستیم  
تو همه راز جهان ریخته در چشم سیاهت  
من همه محو تماشای نگاهت

آسمان صاف و شب آرام.

بخت خندان و زمان رام.

خوشه ماه فرو ریخته در آب،

شاخه ها دست بر آورده به مهتاب

شب و صحرا و گل و سنگ ،

همه دل داده به آواز شباهنگ.

یادم آید تو به من گفتی: «از این عشق حذر کن!  
لحظه ای چند بر این آب نظر کن!  
آب، آینه عشق گذران است»  
تو که امروز نگاهت به نگاهی نگران است  
باش فردا که دلت به دگران است  
تا فراموش کنی، چندی از این شهر سفر کن

با تو گفتم حذر از عشق؟ ندانم  
سفر از پیش تو؟ هرگز نتوانم  
روز اول که دل من به تمنای تو پر زد  
چون کبوتر لب بام تو نشستم  
تو به من سنگ زدی! من نه رمیدم نه گسستم

باز گفتم که تو صیادی و من آهوی دشتم!  
تا به دم تو در اتم همه جا گشتم و گشتم!  
حذر از عشق، ندانم  
سفر از پیش تو هرگز نتوانم، نتوانم!

اشکی از شاخه فرو ریخت!  
مرگه شب ناله تلخی زد و بگریخت!  
اشک در چشم تو لرزید  
ماه بر عشق تو خندید

یادم آید که دگر از تو جوابی نشنیدم.  
پای در دامن اندوه کشیدم.  
نگسستم، نرمیدم...

رفت در ظلمت غم آن شب و شبهای دگر هم!  
نه گرفتی دگر از عشق آزرده خبر هم!  
نه کنی دیگر از آن کوچه گذر هم...  
بی تو، اما، با چه حالی من از آن کوچه گذشتم...

همزه در نوشتار فارسی جایی ندارد

آلودگی دبیره ی پارسی تنها به نوشتن «صد» و «صندلی» با بند واژه ی تازی «ص» و نوشتن طوفان و طپش و طوش و طالش و... با بند واژه ای تازی «ط» پایان نمیگیرد، که نادانان دست اندازی به نوشتار پارسی را تا بدانجا کشیده اند که «همزه» تازی را که در نوشتار ما جایی ندارد بسیار بکار میبرند. شاید گروهی چشمگیر از پارسی نویسان روزها دهها بار «همزه ی تازی» را در نوشتارهای خود بکار میبرند، و میدانند که این نشانه ی نوشتاری در زبان پارسی جایی ندارد (بجز یک واژه که آن واژه ی «زائو» است که آن را هم باید «زایو» نوشت و گفت. زیرا از ریشه ای کار واژه ی «زاییدن» می آید، نه «زائیدن») بر این پایه نوشتن واژه های «پائیز، پائین، موئین، روئین، آئین، پرگوئی، چائی، میگوئیم، بگوئیم، آمریکائی، بیائیم، دریائی،... و ... و مانند اینها» نادرست است و باید: «پاییز، پایین، موین، روین، آین، پر گویی، چایی، میگوئیم، بگوئیم و آمریکایی، بیاییم و دریایی» و چون اینها نوشت. همچنین نادرست است اگر بنویسیم.

- جامه ئی را که خریده ئی کهنه است.

- احمد ساوه ئی است.

به جای این ساخته های نادرست، باید نوشت

-جامه یی را که خریده یی کهنه است.

- احمد ساوه یی است.

دکتر ناصر انقطاع

چاپ کتاب،

سالنما

با بهترین کیفیت و

کمترین بها



شرکت چاپ آنلیمیتد

Tel: (818) 854 - 6323

Fax: (818) 854 - 6325

Email: Unlimitedprinting@yahoo.com





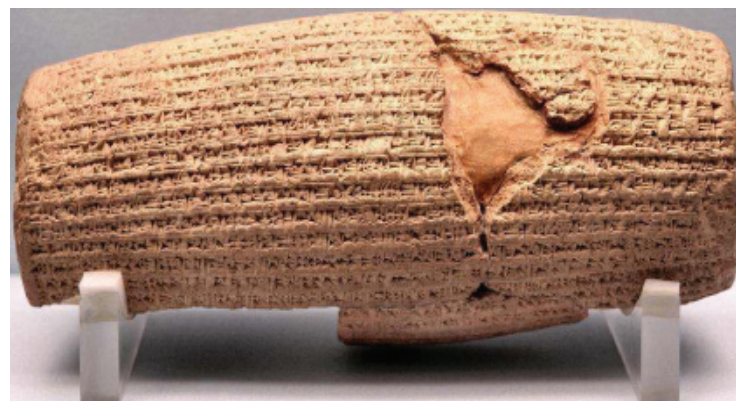
Toronto, 2008

مهندس هوشنگ سیحون شتافتم و از او درخواست کردم که فرا نمایی برای زیر پای تندیس کوروش بزرگ فراهم آورند. استاد سیحون با رویی گشاده و دستی توانا درخواست مرا پذیرفتند و این فرمانای دلپذیر را برای زیر پای تندیس فروهر کوروش بزرگ آماده کردند. برای ساختن این تندیس بسراغ نامدارترین هنرمند پیکر تراش استرالیایی که نامی بزرگ در جهان دارد بنام پیتر سکیرپهین رفتیم و با او پیمان ساخت این تندیس بسته شد.



Melbourne City Council, Mar 2009

اینک برای برپا کردن این تندیس در شهرها و کشورهای جهان به دو چیز نیاز داشتیم، یکی بودجه و دیگری پروانه ی برپایی این تندیس در شهرهای بزرگ جهان. در زمینه ی بودجه چنین اندیشیدیم که می توان چند تا از این تندیس ها را به اندازه ی یک متر و هفتاد سانتیمتر ساخت و در برابر دریافت ده هزار دلار به فرهنگیاران و ایرانیاران واگذار کرد که شوربختانه بجز شش تا از این تندیس ها خریدار پیدا نکرد و هزینه ای بیش از صد هزار دلار بر دست ما گذاشت، این زیان تنها برای ساخت این تندیسها بود نه هزینه ی بیست و سه سفر گرد جهان از شهری به شهری و از کشوری به کشوری برای بدست آوردن پروانه ی برپایی این تندیس. یکی از این تندیسها در سال ۲۰۰۶ به انجمن جهانی زرتشتیان در پاریس ارمغان



# سنگ نگاره ی فروهر کوروش بزرگ

## مهدی دهقان یزدی و همکاران

بهترین زمان برای خرید املاک  
مصادره شده بانکها

خرید و فروش

املاک مسکونی

شخصاً

مبلغ خرید و فروش منزل  
شما را در هر کجای دنیا  
بشما تحویل میدهیم



[www.MaxMehdi.com](http://www.MaxMehdi.com)  
maxmehdi@hotmail.com  
949.307.4330  
Lic # 01790150

### کوروش کیخسرو شاهرخ



- Corporate & Commercial Litigation
- Incorporations, Mergers & Acquisitions
- Trademark, Copyright and Patent Infringement
- Real Estate Litigation including Foreclosures
- Medical Malpractice
- Personal Injury & Wrongful Death
- Estate Planning & Probate
- Elder Abuse

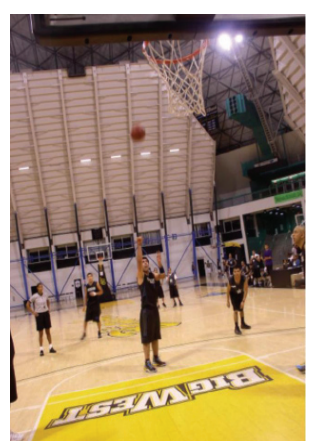
دعای امور بازرگانی و تجاری  
تشکیل، ثبت، خرید و ادغام شرکتها  
ثبت حق تالیف، اختراعات، علائم بازرگانی  
دعای ملکی، جلوگیری از حراج ملک  
معالجات غلط پزشکی  
تصادفات، صدمات بدنی و منجر بمرگ  
تنظیم وصیت نامه و امور انحصار وراثت  
دعای مربوط به آزار سالمندان

The Law Offices of  
**Koorosh K. Shahrokh, Esq.**  
Tel: (818) 996-7301  
Fax: (818) 996-7302  
6345 Balboa Blvd. Suite 232, Encino, CA 91316

# 12<sup>th</sup> ZOROASTRIAN GAMES JULY 2010, CALIFORNIA STATE UNIVERSITY, LONG BEACH

Photo by: Oshihen.org

## DAY 1



## DAY 2



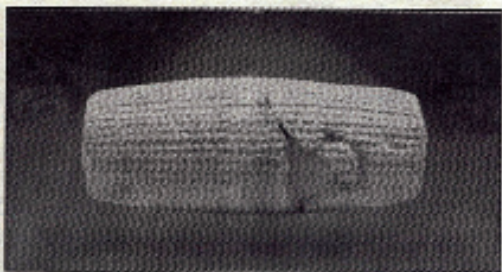
## DAY 3



## DAY 4



North America  
**ZOROASTRIAN PHONE DIRECTORY**  
*Serving The Zoroastrian Community & more*



*Proven High Consumer Usage  
For further Information  
and Advertising Rate, Please call  
**714-893-4737***

☆☆☆ **#1 HONDA DEALER IN THE USA** ☆☆☆  
**SUPER PRICES SUPER SELECTION**

When you need a friend in the car business...  
**CALL KAVEH TEHERANI**  
**562-884-7441**

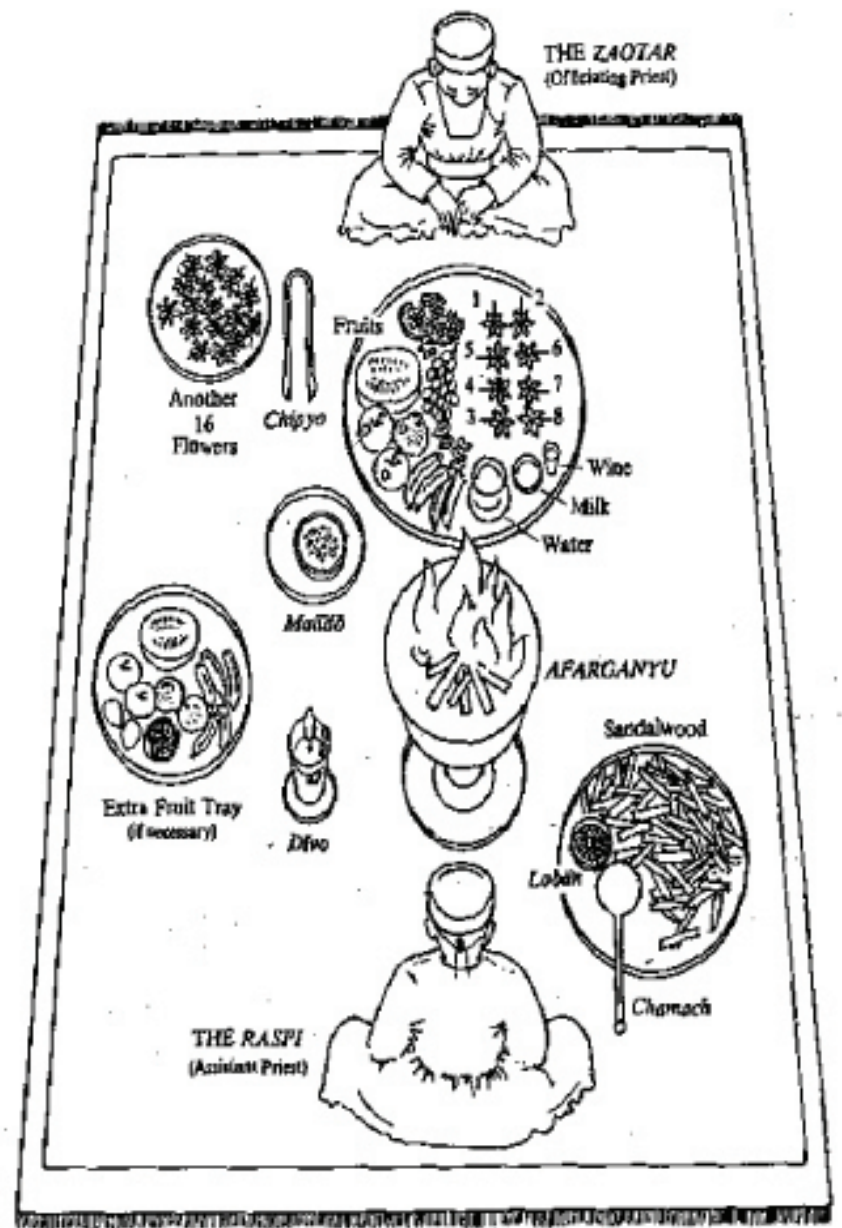
**NORM REEVES  
HONDA  
SUPERSTORE**

CERRITOS AUTO SQUARE

605 FWY @ SOUTH STREET

	<i>Pahlavi Name of Day/ Month</i>	<i>Pahlavi Name of Flower</i>	<i>Probable Equivalent Name in English</i>
1	Ahura Mazda	Murd Yasmin	Jasmine with leaves like myrtle
2	Bahman	Saman-i-safid	Trefoil
3	Ardibehesht	Merezan gosh	Sweet marjoram mentioned in Afrin-Bozargan
4	Shehrivar	Shah-sparem	Basil-royal
5	Spendâpard	Faranj mashk	A sweet basil. Mushk of FPersiagis Mentioned in Afrin-e-Bozargan
6	Khordad	Susan	Lily
7	Amerdâd	Chambē	Fragrant jasmine
8	Daepa-Adar	Vadrüz bui (Vadrang)	Orange flower
9	Adar or Azar	Azergun	The anemone of Marigold Anemones and Marigold
10	Aban or Avan	Nilo-par (Nilufar)	Water-lily---There are different colors. This is lotus---flower used during Hakhaam-neshian times. Darius holding lotus flowers with 12 petals representing 12 months.
11	khورشed (khur)	Marv-i-sped	Cat-thyme (French, Le Marum)
12	Mohor (Mah)	Ruges	Rush or Leek
13	Tir	Vanoash	Flower of the Wan tree
14	Gosh or Gush	Meren	( Vine-flower) French, Fleur de vigne
15	Daepa-meher	Kârad	A flower of the species Plandanus odoratissi
16	Meher	Vanush	Violet
17	Sroash	Kheri sorkh	Pepper grass
18	Rashna	Nistarun	Narcissus
19	Farvardin	Aoruz	Cock's comb
20	Behram	Sisenbar	Water mint
21	Ram	Kheri zerd	Yellow Pepper grass
22	Guvad or Govad	Vadrang-bui	Mountain balm
23	Daepa-din	Shambalit	Fenugreek
24	Din	Gul-i-sad varg	Rosa centifolia
25	.Ashishvangh or Ard	Hamâk hamâk Vahâr (bahar)	Buphthalmus
26	Astad	Hamâk Hom-i-safid	White Hoama

	Pahlavi Name of Day/ Month	Pahlavi Name of Flower	Probable Equivalent Name in English
27	Asman	Nanâ nânu sparam	Bread-vegetable most likely mint.
28	Jamyad	Kalkam	Saffron, Croccus
29	Marespand	Artashirân	A bitter plant
30	Anerân	Haoma datô ai Hom	Haoma (Sanskrit, Soma) According a book written by Flattery and David Martin in 1989 that soma/haoma was extracted from the plant known as harmel or wild rue (Botanical name: Perganum harmala). This plant is also called Syrian rue. It grows as a weed in the Persian Plateau and the steppes of Central ASia. Later due to the influence of Zarathushtra, it was replaced by the Ephydra plant. Had a personal discussion with Prof. Martin Schwartz.



Even today, the Parsi Zoroastrian priests use 24 flowers when performing Jashan or Afringan ceremonies for the different occasions. Eight flowers are used for each Afringan symbolizing two existences, physical and spiritual; three flowers represent coming of the soul from the spiritual world to physical one with good thoughts, good words and good deeds and the remaining three signify the journey of the soul from the physical world to the spiritual one with the merits of good thoughts, good words and good deeds. This is another example of how flowers continue to be an important part of Zoroastrianism.



# LOVE OF ZOROASTRIANS FOR FLOWERS AND GARDENS

By Behram Deboo

It is believed that the origin of Persian gardens date back as far as 500 BCE. There have been many books written on this subject. I do not claim to be an expert on the subject but I would like to share some important points rather than delving into too many details. Dr. David Stronach has written extensively on the Persian Gardens.

Cyrus built the capital city called Pârthâgâda which later was known as Pârsâgad or Pasargadae in Greek in the province of Pars. It means, according to Dr. Tooraj Daryaaee,



city/ fort but can also mean either the camp or garden of Persians. It covered a huge area with palaces, gardens and temples. In a battle, Cyrus died in 530 or 529 BCE and it remained unfinished. When Daryushe bozorg came to power, he built another capital city known Persepolis.

Gardening was considered a virtuous deed by the Persians who believed in enhancing the beauty of nature by blending the art of planting flowers and trees. Cyrus the Great planted trees and worked in the garden. Persian gardeners including the royal families, nobles and others used precise geometric designs to plant trees, flowers, fruits and other plants. Xenophon, who was a Greek mercenary employed in the Persian army, talks about the Persian orchards and was amazed to see the Persian king planting and maintaining his own trees in his gardens. This shows that the Persians believed in the dignity of labor. The important fact is the planting of gardens was not done haphazardly but in the geometric design for symmetry and style of different kinds of gardens to increase the esthetic value of the gardens. This leads us to believe that the

Persian Zoroastrians had a good knowledge of the geometry and geometrical patterns. The intricate flower designs on the Persian carpets indicate the influence of the arrangements of flowers and other vital elements of the Persian gardens.

The gardens of the Persian Zoroastrians were so beautiful that the word 'paradise' in English comes from the Avestan noun 'pairidaeza' which meant surrounded gardens or parks. In fact, the idea of paradise, it is believed by some scholars, was introduced in the Christian mythology of 'the Garden of Eden'---the paradise on the earth. The Greek word for pairidaeza is paradeisoi, the Latin word, paradisus and the German word, paradies.

The word Pairidaeza occurs in Vandida 3.18--- "aêtadha hê aête mazdayasna ainghâ zemô pairi-daêzân pairi-daêzayân, hvarethaêibyô pascaêta âstayañta aête yôî mazdayasna vâstraêibyô pascaêta âstayañta aête yôî mazdayasna." The

Pairi in Avesta means 'around' The word is derived from PIE root <dheigh>---to mold or form a shape. Daeza means wall.

Sassanians under the influence of Zoroastrianism began to build gardens with ponds and fountains.

Persians used the irrigation system (qanat) to water the gardens and cool the houses. Thus, Zoroastrians contributed the art of gardening, created beauty and harmony in nature and established sizable parks similar to the national parks in the United States.

Animals were introduced into these parks and hunted by the royal families. The Mongol king, Babur carried the idea of the Persian gardens to India and built a beautiful garden in Agra. Unfortunately, it is now unkempt. When Shah Jehan built the Taj Mahal, he also designed a Persian style garden in the front of the structure. The Islamic gardens that came after are the by-products of the Zoroastrian heritage of gardening heritage.

Since the Zoroastrians had such a great love for flowers, they assigned a different flow-

er for each day of the Zoroastrian month. The following list is from the book, "The Religious Ceremonies of the Parsis", by late Ervard Shams-Ul-Ulama Dr. Sir Jivanji Modi". The



following table shows the connection of the different flowers with the days of the month created by the Persians. Esthetically, it is the language of flowers.



## Cyrus the Great Cylinder arrives in Tehran

www.cais-soas.com

For the first time after the 1979 Persian Revolution, the British Museum has returned the Cyrus pre-Islamic Persia and particularly to the Cyrus the Great historical figure.



The cylinder is covered with inscriptions in Old Persian in cuneiform that sound like a royal decree. The inscriptions were decoded and translated some 50 years ago but the cylinder's connection to Cyrus, or Kurosh in Persian, was not established until 1970. Experts now concur that the inscriptions amount to the first declaration of human rights inasmuch as they uphold freedom of religion and the equality of human beings.

In 1970, the Shah, then about to celebrate the 25th centenary of Cyrus' Empire, tried to persuade the British to send the cylinder to Persia for public exhibition. The British refused. Thus began 'The Forty Years of Waiting' the Persian media are referring to. President Mahmoud Ahmadinejad was present, along with his entire Cabinet and the military top brass to welcome the temporary return of the cylinder. There was a guard of honor all dressed in the uniforms of Cyrus's army as imagined by Tehrani designers almost 40 years ago.

the Great Cylinder to the country under tight security measures. The cylinder was escorted by a delegation headed by the British Museum keeper of the Middle East collections Dr. John Curtis to the National Museum of Persia where it will remain for four months. The Cyrus the Great cylinder, which is considered the world's first charter of human rights, is inscribed in Akkadian cuneiform with an account by Cyrus the Great (ca. 600-529 BCE). The cylinder was discovered by a British archaeological mission in the 19th century, but its historic importance was not established until the 1960s.

The cylinder was scheduled to be given to Persia on loan in September 2009. However, the British Museum refused the loan, citing Persia's post-election uprising. Tehran had earlier threatened that it would cease cooperation with the British Museum until the cylinder is loaned to the National Museum of Persia. Many experts are extremely worried about the safety of this priceless historical artifact, loaned to a regime that is hostile to

In welcoming speeches, Ahmadinejad and his 'philosophic guru' Esfandiar Masha'i praised Cyrus in lavish terms. Masha'i went as far as declaring Cyrus to have been 'one of the prophets, a special emissary from God.' That echoes the Old Testament's view of Cyrus, the man who freed the Jews from bondage in Babylon and helped them return to Jerusalem to rebuild their temple with a grant from the imperial treasury.

## Ancient Underground City Unearthed in Western Persia

Source Mehr News Agency

An ancient underground city has been discovered in southeast Hamedan Province of Persia.

The city is located near the village of Arzanfud, 25 kilometers southeast of the city of Hamedan, the Hamedan Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Department (HCHTHD) announced Saturday in a press release. The city, which is comprised of 25 rooms connected to each other by several corridors, had been dug under a stone mound at a depth of 4 to 6 meters.

The structure is surmised to have been used by habitants as a shelter during wars. The city's original entrance has not been found so far, but it is accessible through an opening that has been made by HCHTHD's experts. There are holes carved in the walls, which had been made to hold early light fixtures. A crib has also been identified in the structure. A number of stone rings and clasps have also been discovered in the city.

According to initial studies, the city likely dates back to the kingdom of the Medes or the Parthian era.

«... I know  
that words deriving  
from good purpose and  
from love  
are not to be left wanting  
by you.»  
(P28.10).

# Company helps ancient Persian art survive

By Mostafa Mousavi Sabet

In a village called Amirieh near Tehran, skilled artisans in a workshop are trying to keep ancient Persian art and culture alive and well for the benefit of those who have been slowly forgetting their origins over the past few decades.

This workshop was established about 15 years ago by the Shahriar Tandis and Peykare International Company (STPIC) to manufacture statuettes of contemporary Persian luminaries, Persian personalities from ancient times, and mythical personalities from Persian literature.

You can find examples of their artwork in a gallery at the company's office in Tehran.



The company's artists have sculpted cultural figures from Ariobarzanes (368-330 BC), the Persian satrap of Persis who fought against Alexander the Great, to living legend

of Persian traditional music Mohammadreza Shajarian.

They have also brought many Persian epics to life, such as the battle of Rostam and Sohrab and the Third Adventure of the Shahnameh, with their creations.

One of the most interesting artifacts on display at the STPIC office is a replica of the Cyrus Cylinder, which is the same weight and size as the original artifact kept in the British Museum.

Shortly after its inception, the STPIC shifted from making small sculptures to working on larger projects, one of most valuable of which is the Garden of Inscriptions. 33 models of the ancient inscriptions located in various sites of Persia are on display at the garden located in the courtyard of the Niavaran Palace Museum in Tehran.

"Most of the inscriptions were created by kings and out of the reach of the common people in order to safeguard them," STPIC Managing Director Hossein Taqavi explained to the Tehran Times last week.

The garden provides ordinary people and scholars alike with easy access to models of the inscriptions that are the same color and size as the originals, he added.

Molding, making, and installation of the replicas took 12 years and according to Taqavi, even planting the grass at the garden was done by the STPIC.

The STPIC never received a penny for its work from the Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Organization (CHTHO), which had commissioned the project, Taqavi said, adding, "We only desired to see the project through to its completion."

He believes that most of the inscriptions are threatened by destruction from human and natural factors and the garden is a means to preserve the ancient inscriptions for future generations.

A part of the Kartir inscription carved on the Zoroaster's Kaba at the Naqsh-e Rostam site in Fars Province vanished in 2006, just one year after it was molded by the STPIC for the garden.

No harmful effects have been shown for the material used to mold the inscriptions and other artifacts. The material has been innovatively formulated by the STPIC.

The STPIC has installed a great tableau depicting the evolution of script at the 23rd Tehran International Book Fair, currently underway in Tehran at Imam Khomeini Mosalla.

Over the past three years, the STPIC has focused on creating pieces for installation in buildings to complement their architecture.

"New Persian buildings lack national symbols," Taqavi lamented.

"Over the past three years, giving meaning to the environment has been high on our company's priority list," he added.

In this way, in the revetment of a structure entitled "The Nations' Wall" at the CHTHO

in Tehran, the STPIC used tile-shaped plaster pieces bearing copies of motifs originally carved on rocks and structures located at various prehistoric and ancient sites in Persia.

"With an introduction provided for each piece, CHTHO's clientele are kept busy with the details given for each of artworks," Taqavi said.

The CHTHO has approved a STPIC's plan for decorating its entrance using a design based on the gift presenters' bas-reliefs at Persepolis.

The molds for the decorations have been taken off the originals at Persepolis.

The STPIC has made single balusters and urban furniture carrying motifs and symbols of ancient Persian architecture. Some of the artworks have been used in a number of locations in Tehran.

Over the past year, about 1.2 million artistic creations were crafted by the 273 artists working at STPIC's workshop located in Shahriar, which is a working class neighborhood.

"We could have set up our workshop in one of better districts of the capital, but we believe that providing employment for people in less affluent communities is a blessing for us," Taqavi stated.

The STPIC has been honored several times as Persia's Employer of the Year.

So far, the company has held 15 foreign exhibits in Germany, England, Russia, India, Oman, Qatar and several other countries.

French cultural attaché in Tehran Jean-Claude Voisin has proposed that the STPIC offer some of its products at the Louvre Museum. Initial discussion of the issue is on the agenda of an upcoming meeting scheduled with Louvre officials.

The STPIC is also making a model of the Nations' Gate of Persepolis for the Toronto municipality.

Creating each one of our artifacts requires an expenditure of time-consuming, in-depth research, Taqavi noted.

"The matter becomes more complex with abstract designs, because they need even more time and talent, in a similar way that a poet must strive when composing intricate rhymes in poetry."

German poet and historian of literature, Adolf Friedrich von Schack whose version was published in 1851. Friedrich Rückert's translation was also published after his death in 1866.

However, the French also played a fundamental role in bringing into the light the exquisiteness of Ferdowsi's masterpiece. They contributed to the familiarization of Europeans with The Shahnameh predominantly and translated the epic opus of Ferdowsi several times. The volume of researches done by the French orientalist about The Shahnameh and Ferdowsi is indispensably noteworthy.

In 1826, the French government assigned the mission of translating The Shahnameh to Jules Mohl, the renowned French orientalist and philosopher. He astonishingly dedicated 40 years of his life to the translation of The Shahnameh and accomplished the mission up to his death in 1876. He reviewed several partly-translated versions and even sought the help of Persian scholars in interpreting the oratory of Ferdowsi. The first volume of his translation came out in 1838 with a well-researched preamble he had written on it. This preamble is said to be one of the most reliable introductions on Ferdowsi and his works in French language.

Anyway, one millennium has passed since the composition of The Shahnameh by Hakim Ferdowsi and every Persian-speaking citizen knows well that the magnificence and majesty of the Persian poet cannot be erased from the pages of world's cultural memory. Millions of words and sentences do not suffice to introduce and interpret Ferdowsi. He passed away physically, but he rejuvenated the Persian identity and perpetuated his name until the subsistence of the world:

I am deathless, I am the eternal lord  
For I have spread the seed of the Word

## ACHAEMENID ENGINEERS CONSTRUCTED PASARGADAE TO WITHSTAND SEVEN RICHTER SCALE EARTHQUAKE

By Atossa Sepahbod

The new research on Pasargadae's structural engineering has shown the Achaemenid engineers had laid its' foundations by using "Base Isolation System" in their design. The Base Isolation system is being used today by many countries for the construction of the nuclear facilities, and countries with numerous earthquakes such as Japan.

The "Base Isolation system" was invented by Persian engineers 2500 years ago, by creating two separate layers of foundations; -the first or lower foundation was constructed solidly and second or the top foundation was susceptible to movement. Therefore, if an earthquake would have occurred the structure could withstand up to 7 richer-scale. The foundation designed to slide and shake without causing the structure to collapse.

"Under the Pasargadae monuments there are two foundations, the lower one solid, made of stone, and cemented together using mortar (mixture of plaster of lime and ashes or sand). After creating a smooth surface the second foundation was laid out of wide pieces of polished stones, fastened together with metal bars and clips to create a large plate, which were trembling and sliding during a possible earthquake", said 'Abdolazim Shah-Karami, the expert of Geotechnique, Foundation and Engineering of Pasargadae.

He described this ingenious invention as a system that is being used by modern-engineers all over the world. This demonstrates the advanced knowledge that ancient engineers had in foundation engineering techniques and the extent of their familiarity with geological behaviors of their surround-

ings, in order to invent such an efficient and innovative design for its time.

"Research on the foundations of Pasargadae has shown that the Achaemenid engineers invented this technique to prevent the collapse of the structure in this earthquake-region of Persia", emphasized 'Abdolazim Shah-Karami.



The research on the Apadana, the Private Palace of Cyrus the Great, Tal-e Takht, and the Alexander Prison were all laid with deep foundations, which covered a vast area (larger than their

constructions), in accordance with the soil's density and weakness in coping with the heavy weight of the structures themselves. In the long term, this would have prevented the cracking and subsiding of buildings.

"By executing their designs not only had they managed to protect the structures from earthquake, but also they resolved the problem of possible subsiding", added Shah-Karami.

Pasargadae was the first dynastic capital of the Achaemenid Empire (550-330 BCE), as the second Persian dynasty succeeded Median Dynasty (728-550 BCE), founded by Cyrus the Great, in Pars, homeland of the Persians. Its palaces, gardens, and the mausoleum of Cyrus the Great are outstanding examples of the first phases of Imperial Achaemenid art and architecture and exceptional testimonies of Persian civilization.

Pasargadae was the capital of the first great multicultural empire in the world. Spanning 3,000,000 square-miles, from the Eastern Mediterranean and Egypt to the Hindus

River, it is considered to be the first empire that respected the cultural diversity of its different subjects based upon tolerance and respecting human rights. This was reflected in Achaemenid architecture, a synthetic representation of different cultures.

### Wikipedia lists the Persian Kingdom as The Oldest.

The website Wikipedia, the largest collaborative reference website with 78 million visitors since January 2010, recently added an article entitled, "List of countries by statehood". The article lists Persia or Persian as the first, dating to roughly 330 BC. It states, "The first state consisting all of western Persia was founded by the Proto-Elamite with their capital at Susa & Anshan which lasted from around 3300 BC to 2700 BC, they were followed by Elam (2700-550 BC) and Medes who created the first Persian empire, which encompassed all of Persia and lasted from 728 to 550 BC. Cyrus The Great, founded the world's first superstate, stretching from Greece to India. The last reunification of Persia happened in 1501 AD by the Safavid dynasty. Persia was referred to in the West as Persia until March 21, 1935 when it was officially recognized as either Persia or Persia, where the latter has been the local name. Persia has had roughly the same geographical boundaries since its inception and has been using Persian as the official language in addition to Persian calendar. In modern days, historians began to hesitate Persia's influence on history for political reasons." The article does state that, "Nation-building is a long evolutionary process. It is therefore practically impossible to come up with a single date for a nation's "birth" in most cases. However, most nations have accepted some dates in their respective histories as their symbolic starting points."

# Ferdowsi, the Reviver of Persian Language

**The** United Nations' cultural body (UNESCO) has named the

year 2010 as 1000th anniversary of the composition of The Shahnameh, the renowned national epic of the Persian-speaking world which has been traditionally a source of honor and a manifestation of ancestral identity to the Persian people and nations such as Tajikistan and Afghanistan who have loyally stuck to their lingual and cultural background after separation from Persia.

The Shahnameh is the result of 30 years of unyielding and steadfast endeavor by the master of Persian literature, Hakim Abulqasim Ferdowsi who is known to the Persian people and the Persian speaking nations as the reviver of Persian language. Persians owe to Ferdowsi the survival and fortification of their language and that is why Ferdowsi is considered to be the most prominent Persian poet of all times, even though there are disputes between the scholars who believe that Ferdowsi's work, in a literary and formational context, cannot be compared to those of Hafiz, Sa'di, Rumi and Rudaki as the nature of Ferdowsi's work is essentially different from what other notable Persian poets have brought into existence; however, to the majority of scholars, researchers and literary experts, The Shahnameh, regardless of its format and content, features because of its remarkable contribution to the culture of Persia and the historical identity of Persian people.

It is widely believed that Ferdowsi started the composition of The Shahnameh when he was 30 years old. According to his own poetry, Ferdowsi invested more than 30 years on the foundation of The Shahnameh to preserve the heritage of Persian language.

The Shahnameh is a mythical, 30,000-distich poetic opus which is dedicated to the history of ancient Persia. The content of The Shahnameh can be divided into three main sections: the mythical age, the heroic age and the historical age. In the mythical age, Ferdowsi demonstrates his adherence to the moral and ethical values by praising and eulogizing the Almighty God whom he considers, thanks to his monotheistic mindset, the sole creator of the universe and only initiator of the life. He starts his poetic oration in the name of God:

In the name of the Lord of both wisdom and

mind,  
To nothing sublimer can thought be applied

Then he comes to admire the Almighty God and his extensive, endless power:

The first thing needful for thee is to know  
The sum of primal elements which He,  
Who maketh all things, made from naught to show  
The greatness of His own supremacy

Ferdowsi then continues by telling the story of Kayumars who is legendarily believed to be the first human being descended on Earth, having been endowed with the celestial grace of the Almighty God, which he calls "Farr".

In the mythical division, Ferdowsi describes the accounts of two legendary kingdoms in Persia which the holy texts of Zoroastrians, including Avesta, include some references to: Pishdadian Dynasty in which 11 emperors ruled, and the Kayanian Dynasty. The heroic age of The Shahnameh comprises the greater part of the work, including the account of Manuchehr until the conquest of Persia by Alexander the Great. The famous story of Seven Labors of Rustam and the death of Siavash fall under the heroic category of The Shahnameh.

The stories of Arsacids and Sassanid dynasties which are retold briefly belong to the historical age of The Shahnameh where Ferdowsi demonstrates his power of artistic historiography dexterously.

The Shahnameh has been translated in more than 40 languages and exists in the world's largest libraries in miscellaneous, luxurious versions. The Bayasanghori Shahnameh which is an illuminated manuscript of the work being kept in the Tehran's Golestan Palace has been listed in the UNESCO's Memory of the World Register of cultural heritage items.

As a literary masterpiece, The Shahnameh has played a vital role in recording the antiquity of Persian culture, preserving the heritage of Persian poetry, purifying the Persian language and ensuring its independence from the other languages. Ferdowsi inspired several poets who attempted to surmount his unparalleled rhetoric several years after his demise; however, the history of Persian poetry hasn't proofed any poet to be of greater eminence, competence and reputation than Ferdowsi up to now.

The British orientalist, surgeon and artist

James Atkinson was the first to introduce an English translation of The Shahnameh in 1832. Atkinson was a multilingual surgeon who served many years as the Assistant Surgeon in the Bengal service of Honorable East India Company. He was completely fluent in Persian and that would give him the precious opportunity to make an acquaintance with the most noteworthy masterpieces of Persian literature. He first made an abridged translation of Rustam and Sohrab story of The Shahnameh in 1814 and then completed his free translation in 1829 which was published in 1832 and won him an Oriental Translation Fund gold medal the same year.

Oriental Translation Fund was established in 1828 as a part of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland's efforts to further "the investigation of subjects connected with and for the encouragement of science, literature and the arts in relation to Asia."

A British poet named Matthew Arnold who was a cultural critic and school inspector and at the same time, a close friend of William Wordsworth, published another abridged translation of Rustam and Sohrab tragedy in 1853.

In 1925, the brothers Arthur & Edmond Warner published a complete, 9-volume translation which paved the ground for the further acquaintance of the English readers with The Shahnameh.

Germans were also among the pioneers of translating The Shahnameh into European languages. In a speech dated September 27, 1934, the renowned German Persiaologist and orientalist Hans Heinrich Schaeder elaborately explained the efforts made by the Germans to introduce Ferdowsi and The Shahnameh to the international community.

In his speech titled "Firdosi und die Deutschen", Schaeder called the year 1819 a pivotal juncture in the course of Germans' familiarity with the oriental culture. Along with the publication of new Deutsch translations of Hafiz and Rumi, the renowned German writer Johann Joseph von G?rres completed his translation of The Shahnameh in this year which received great welcome with the German readers.

According to Schaeder, The Shahnameh had a great impact on the German orientalists and inspired many scholars to conduct exploratory researches about Ferdowsi. The other credible translation of The Shahnameh belonged to the

majority of crowns were serrated and the serrations were in the curves and bents symbolized towers, battlements or perhaps Mehr (the sun). The crown was so respectable that the court would hardly thrust its upkeep to everyone.



## BASAK

Basak is a circular ring made of flowers and branches or metal ring made of flowers. Basak might be considered as a special sort of special diadem. So far the real application of Basak has not been discovered, but in the past there was a sort of Basak which looked like a rope from distance. Such Basaks were mostly used by military officers. Many bas-reliefs of soldiers in Persepolis wear the Basak.

Basak was either made of metal or felt. The non-metal felt Basak was worn during hunting and war to prevent the hair from being disturbed. The Basak was worn by the king, his courtiers, military officers and even ordinary people.

## STRAIGHT CAP

This was an inverted cone cut at the base and made of felt and scented by gums and other fragrant material. These were either split or simple caps. The simple straight cap was used as replacement for the crown for daily affairs by kings.

The difference between split and simple straight cap was in the shears on the body of the cap. Apparently the split sheared caps were worn by soldiers. What is particular about this cap is the image of Ahura imprinted on it. A comparison of the straight caps known as Parsi caps with those worn by the Assyrians shows that the Achaemenid straight cap was a modified version of the Assyrian one.

## DASTAR (TURBAN-LIKE CAP)

The real purpose of Dastar is not known. This was a pointed felt cap or hood or shawl which was wrapped over the head and neck or a sort of felt cap. Its true rank is not known because the Dastar was worn by servants and maids. Right now in many places including Kurdistan the natives wear a sort of cap on which the Dastar is wrapped.

## BASHLOGH (HOOD)

This is a felt cap which has special strings hanging behind the ear and back which narrows as it descends lower. Behind the arch of the Bashlogh there was an additional

piece which was folded in the front. Bashlogh was worn by Median armor wearing officers. Right now the Bashlogh with slight modifications is being woven in Kurdistan.

## EGG-LIKE FELT CAP

This cap was known as Median cap. The only ornament on the egg-like felt cap is a lace at the edge of the cap. The images surviving in Ghalayechi Hill in Bukan from Manayian period as well as crowns from the Sasanid period has revealed that a diadem was worn on the felt cap. The felt cap was worn by Achaemenid warriors and Median officers. A similar cap is still being worn by Persian nomadic tribesmen.

## DASTAR (HEAD-SCARF)

This is a sort of headscarf worn by women which reaches as far as the ankles. The Dastar was worn by Achaemenian women. The corners of this shawl-like Dastar was not wrapped under the neck. The Dastar was placed on the lady's head in a manner that covered all her hair or it was hung like a tail at the back. The Dastar was generally worn with a diadem or Basak and was the scarf popularly used by the Persian women in the past.



## DIADEM (DEIHIM)

The Deihim or diadem was a golden ring with 4 to 5 cm height which were either serrated or were smooth. As the design implies the serrated diadem was exclusively worn by kings to conduct daily business. But the non-serrated diadems were worn by princes, courtiers or military commanders. A sheared non-serrated diadem has been discovered in Persepolis which does not resemble the other bas-reliefs there.



### Car + Home Savings

**Shahin Chear, Agent**  
Insurance Lic. #: 0E107746  
Costa Mesa, CA 92627  
Bus: 949-553-1115 Fax: 949-646-2566  
www.calinsureone.com

**Total average savings of**  
**\$696\***

Let me show you how combining home and auto policies can really add up. Like a good neighbor, State Farm is there!<sup>®</sup>  
CALL FOR A QUOTE 24/7



## State Farm

\*Average annual per household savings based on a national 2002 survey of new policyholders who reported savings by switching to State Farm. State Farm Mutual Automobile Insurance Company, State Farm Indemnity Company, State Farm Fire and Casualty Company, State Farm General Insurance Company, Bloomington, IL

# A research on Ancient Persian Dress Hat

By Masood Partovi

Hat which was popularly used in ancient Persia represented the profession, race, social rank of the person, an ornament or a device for people's comfort. Of different types of hats or caps one may refer to the crown, including closed, open or integrated crowns, which were worn by kings, diadem or Deihim, Basak, the straight cap, Dastar (turban-like cap), Bashlogh (hood), and egg-like felt caps. The felt cap was popular among Persian tribesmen. Also ladies used to wear a sort of headscarf which reached to their ankles covered by a diadem or Basak.

Among other symbols in ancient times a hat or cap had special significance for the ancient Persian people. The use of cap dates back to cavemen, and that cap or hat was developed, modified and perfected with the growth of human civilizations according to geographical and social conditions. The rank of a cap over the head or the throne of command or leader of the body, enjoyed special rank in the ancient Persian culture because our folklore culture has many proverbs referring to the cap and its dignity.



## REASONS FOR USING THE CAP

A study of the incentives that led to the use of cap specially in ancient times, will lead us to the following facts. Hat used as an ornament: This sort of use impelled man in ancient times to use the cap to beautify the body and to satisfy his aesthetic cravings and religious beliefs. Hat used for comfort: Such hats were used by people to meet daily needs (to avoid cold).

Religious uses: The hat was used in keeping with the special religious rites and ceremonies. Among such uses the wedding

dress and head cover is a striking example. To distinguish rank: In the past different hats were used to distinguish different classes in the community or different tribes. Of course different hats and head covers were fabricated by different cultures, tribes and nationalities in a long period of time.

To distinguish profession: Each profession calls for a special sort of cap or dress or uniform to provide for the worker's safety and ease during the work and various types of head covers are made according to specific needs.

## DECORATION OF HATS

Hats were decorated in two ways in the past: Interior decoration or decoration of the web and exterior decoration. By interior decoration we mean the texture or material that formed the hat including the fabric, the color, shape and main designs, which were not added to the cap from outside. Exterior decoration are ornaments which were added to the hat such as beads sewn on the cap separate from the inside web. Exterior decorations consisted of metals, jewels, glass and enamels and costly decorative fabrics.

## DECORATIVE IMAGES ON HATS

Since ancient Persia was a vast country and incorporated many nations, in this article we will only examine the genuine Persian tribes such as the Medians and Persians. The ancient Medians or Persians resorted to simple decorations as symbolic images. A careful examination of such images leads us to divide them into human, plant, animal, geometrical images, Varjavand or a mixture of such elements.

The ancient world was a mysterious world of celestial and terrestrial wonders mixed with human fear and hopes and the ancient man has mummified himself in various shapes to achieve everlasting life. Ancient images were symbolic in nature and represented government rank, religion, ritual, gild, or even tribal features including bravery. To clarify the matter further, we will refer to several ornaments which were used on hats.

Water Lily (Nilufar): Water lily is an eternal and sacred flower and represents Mehr

(the sun) and Mithra worship. As a result the flower and the stalk of the water lily was used amply to decorate bowls, walls, and garments. One example of use of water lily was the employment of the simple lily with its petals in a circle or hoop which itself was adorned by the lily petals. Such round images have been used amply in Persian fabrics during the Parthian, Sasanid and even Islamic periods.

Image of Sun: The sun (Mehr) enjoyed special symbolic significance in ancient Persian religious rites. An example of use of sun is its round disk with 8 rays divided into three directions all of which were placed in a hoop. One most famous symbol of sun worship was the sun chariot which in recent years has been modified into broken cross (swastika). The importance of the sun (Mehr) in religious rites was such that many experts consider the crown (and even the wedding ring) as a symbol of ancient religious worship.

Serrated (toothed) towers: Serrated towers were other symbols used in the ancient times, and such designs represented ancient temples. An example of serrated tower is shown in the mosaic bas-relief Khozi soldiers' dress in the Louver Museum. In these images one can see quadrangle images. Inside the quadrangle one can see three serrated towers rising from a mound. These three towers represent Varjavand or combination of Ahuramazda (Zoroastrian) Mithra and Anahitian religions.

Geometric shapes included hood or round checkered additions which were either applied at the margin or at the background and they were used to adorn ritual hats. But in the decoration of hats in ancient Persia one cannot see human or animal images.

## TYPES OF HATS

An examination of images of bas-reliefs in ancient buildings and objects leads us to divide Median- Persian hats into crowns, diadems (Deihims), Basaks, straight caps, Dastars, Bashloghs and felt egg-like caps.

## CROWN

Crown was a special head cover used by governors. The crown represented special power bestowed to the king from heaven and each part of its ornaments symbolized the beliefs and religions of the time. The

**UC IRVINE,  
FELLOWSHIP,  
PRE-ISLAMIC  
PERSIAN HISTORY  
& CULTURE**

Source [zoroastrians.net](http://zoroastrians.net)

The Ali Asghar Payravi Fellowship was recently announced at the University of California Irvine (UCI). This fellowship is for a continuing international student pursuing doctoral research in pre-Islamic Persian history and culture. For the forthcoming academic year 2010-2011, the fellowship will provide a stipend of \$18,000 plus cover non-resident tuition and fees, and a 2011 summer stipend of \$2500. The recipient should be advanced to doctoral candidacy before the start of fall 2011, if he or she has not already done so. The fellowship will be administered by the Samuel Jordan Center for Persian Studies and Culture.

Source Mehr News Agency, Tehran

**SASSANID FIRE TEMPLE  
DISCOVERED IN CENTRAL IRAN**

**R**uins of a fire temple dating back to the Sassanid era have recently been discovered during a series of archaeological excavations in the Vigol region near Kashan in central Iran.

The discovery was made during the latest season of excavations, which are being carried out by a team of archaeologists led by Mohsen Javeri and began in mid-June, the Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Organization announced in a press release on Monday.

The cruciform temple has four entrances leading to the ruins of a fireplace embellished with unique stucco designs, Javeri said.

The team has also unearthed pieces of ornate stucco work at the foot of the fireplace,

he added.

The fire temple floor has been covered with plaster. The walls of the mud structure have been decorated with plaster dado rails, above which they have been painted with ochre paint.

The archaeologists surmise that the fire temple was used during the period after the fall of the Sassanid Empire due to the fact that the plaster on the fire temple floor has been recovered several times.

“This kind of the Sassanid religious architecture has previously been found in southern Iran, but this first time such a structure with these characteristics has been identified in central Iran,” Javeri noted.

The fire temple is located in one of the two



Sassanid cities, which were identified in the region in 2005.

Javeri said that the cities, which are almost intact, are buried under the sands.

Upcoming studies on the cities could shed light on the transition from the Sassanid era to the Islamic period and urbanism during the early Islamic eras in the region, he stated.

The Vigol region is located at a distance of about seven kilometers northeast of the city of Kashan in Isfahan Province.

Truth is best (of all that is) good. As desired, what is being desired is truth for him who (represents) the best truth.  
(27.14)

**The Michael Clifford Group** | **Sotheby's**  
INTERNATIONAL REALTY

**Ramin Ostowari/REALTOR®**  
CA DRE #01322564

**Commercial & Residential Investment Services**  
**Specializing in Multifamily Apartments**  
**In-State & Out-of-State**

26010 Accro Street, Suite 200  
Mission Viejo, CA 92691

Phone: 949.230.7231  
Fax: 866.773.1262  
Ramin.Ostowari@SothebysRealty.com

**“When you want results and not just promises”**



Like many other Persians now living in the United States, Dr. Niaz Kasravi left Persia a few years after the Revolution of '79. As a young girl growing up in Persia, she found it difficult to come to terms with the limitations imposed upon her as both a girl, and a non-Muslim. She remembers running home from school in tears, as she was told by her teacher that de-

standing, she pursued an education focusing on sociology of law, and law and inequality at the University of California, Irvine. In 1999, after completing work on a Master's degree, a grant from the National Science Foundation allowed her to return to Persia alongside 2003 Nobel Peace Prize recipient Shirin Ebadi. During this visit, Niaz sought to re-examine her fa-

ternational USA and focused her efforts on the preservation of human rights and civil liberties. Her work addressed many issues that are too often ignored, such as racial profiling, prison conditions, as well as juveniles caught in the criminal justice system. She has since worked in a number of organizations focusing on social justice and human rights. Dr. Kasravi

fundamentally wrong with a system of justice that despite exponential growth has not improved public safety and is also riddled with alarming racial and ethnic disparities and inequities. For Niaz, the most heartbreaking part is that the broken system devastates human lives, families and communities. Niaz believes that the heart of the problem lies in our frequent unwill-

# From Plight to Passion

By Roya Waltman

nial of the Muslim religion would send her and her family to hell. Her school also forced her and the other young girls to subscribe to an oppressive and conservative gender role. Though she was a very social person and always surrounded by friends and family, as a Zoroastrian girl, Niaz found herself segregated, marginalized and constrained by the new post-Revolution social norms. Despite being confused about her identity and social role, she loved Persia as a young girl as she still does today. But when the Persia/Iraq war began to worsen, Niaz and her family migrated to the United States in search of safety, opportunity, and a more embracing society.

As is the case for most immigrants, life in America was bitter-sweet. The United States provided Niaz with opportunity, freedom, and all the luxuries of life. However, cultural and language barriers, along with the association to the Revolution and Persian hostage crisis, made it difficult for many Persian immigrants to live as average "Americans." Every immigrant eventually learns to create a stable identity and carve out a space and a life for themselves in the diaspora, and so did Niaz. Though, for Niaz, these challenges helped her develop a unique perspective on society.

Niaz's experiences throughout her childhood in Persia, and her adolescence in the States, led her to question matters of religion, gender, equality and social justice at a young age. In search of under-

standing, she pursued an education focusing on sociology of law, and law and inequality at the University of California, Irvine. In 1999, after completing work on a Master's degree, a grant from the National Science Foundation allowed her to return to Persia alongside 2003 Nobel Peace Prize recipient Shirin Ebadi. During this visit, Niaz sought to re-examine her fa-

miliar childhood concerns through the prism of human rights reform. Her personal experiences, her passion for justice, and her quest for change ultimately paved her path to honorable scholarly accomplishments and a Ph.D. in Criminology, Law & Society, from U.C. Irvine's renowned School of Social Ecology in 2001. Dr. Kasravi attributes much of her successes to her Zoroastrian faith, the ideology that guides her mind and heart to live a life of good thoughts, good words, and good deeds. Niaz explains that the Zoroastrian belief is advanced in its ability to adapt to the dynamic world in which we thrive. Rather than prescribing a stagnant and specific code of conduct to its believers, the Zoroastrian philosophy remains malleable enough to adapt to modernization and to apply to our evolutionary social structure. What allows for this durability and strength is indeed the principle of free will and freedom to choose what is right over what is wrong using one's good mind. This philosophy is a source of strength that has equipped Dr. Kasravi with the perseverance to transcend personal hardship and the passion to stand up for the rights of others.

Today, Niaz dedicates herself to giving other individuals a similar chance at overcoming challenge and misfortune. She declares it morally wrong to deprive people of this opportunity for individual growth. She formerly worked to help build the Domestic Human Rights Program of Amnesty In-

ternational USA and focused her efforts on the preservation of human rights and civil liberties. Her work addressed many issues that are too often ignored, such as racial profiling, prison conditions, as well as juveniles caught in the criminal justice system. She has since worked in a number of organizations focusing on social justice and human rights. Dr. Kasravi

currently serves as the NAACP's Senior Manager for Law Enforcement Accountability. When asked for a critical assessment of her field of work, she characterized the criminal justice system as "largely broken, and ineffective as it does not allow for proper rehabilitation or opportunity." Her frustrations stem from the fact that our system is built to fail. With over 2.3 million people behind bars, over 90% will once again be let out into society. As it stands, those completing punishment and released from incarceration are largely denied any chance at redeeming themselves and overcoming their past. They are not provided the opportunity to learn or adapt to functional lifestyles prior to their release. Tragically, most return to society more hardened than when they went in. Niaz recognizes that although there are some crimes that are simply unforgivable, and although people who break our laws must serve their due punishment, a system that does nothing to help people overcome the challenges which led them to commit crimes ultimately achieves more harm than good.

She notes a lack of sufficient concern for the majority of those in prison and jails, as they are systematically denied any chance at self-redemption. Today, the United States is 5% of the world's population - but 25% of its prisoners, and spends over \$70 billion a year to incarcerate people. Our 'tough on crime' approach has left us none the safer. Irrefutably, something is

ingness to sense humanity within others. Niaz's experiences and her personal struggle as a Zoroastrian woman have given her a unique worldview. With reluctance, Dr. Kasravi admits that most individu-



als predominately live self-centered lifestyles and remain largely indifferent to the crucial aspects of social justice. Yet, she continues to dedicate herself to defending the rights of others and has faith that the collective efforts of society can produce necessary change. Niaz concludes, "I will continue to share my knowledge and experience, because I truly believe that people have the ability to be good, to become better and to evolve. A big part of that lies in learning to be more compassionate with other human beings...even the ones who have violated our laws."



## Editor`s note

By Roya Waltman

The changing Iranian regime has caused many Persian minorities to leave their homes in search of a better life. Although Iranian immigration began over 30 years ago, the movement has managed to maintain itself over time. Throughout the last decade, Americans have witnessed an influx of Iranian immigration to the United States.

After spending over 2,000 years in their beautiful homeland, many members of the Zoroastrian community have reluctantly sacrificed comfort and familiarity as resilience and hope has led many to the U.S. Notably, in Iran, the minority status of a Zoroastrian caused for cohesion amongst members of the Zoroastrian community. Zoroastrians successfully preserved and expanded their culture and belief system despite opposing public opinions. However, the move to U.S. has placed many Zoroastrians immigrants in the midst of a diverse, cultural melting pot.

Throughout the U.S., Americans subscribe to a plethora of beliefs systems and live their lives according to various traditional and cultural practices. Here, Persian minorities strangely find themselves making up the majority, as most American citizens identify as minority immigrants. Commonly, immigrant cultures adapt to the U.S. by diluting their culture and beliefs. Irrefutably, if we too succumb to dilution, our culture will soon be lost.

In order to challenge this norm we must focus our attention on our youth. The preservation of our culture lies in the hands of our children. While it is difficult to maintain unity, the Zoroastrian community must assimilate while preserving cultural values within our children. The younger generation will always be presented with temptations and influences inherent in society. Hence, Zoroastrian immigrants have a great responsibility to properly guide their children. It is only through our sustained efforts that we will be able to pass down a Zoroastrian community for generations to come.

### Cover Story

#### page 4

-From Plight to Passion

### News Section

#### page 5

-UC Irvine, Fellowship, Pre-Islamic Persian History & Culture

-Sassanid Fire Temple Discovered in Central Iran

### Culture

#### page 6

-A research on Ancient Persian Dress Hat

### Literature

#### page 8

-Ferdowsi, The Reviver of Persian Language

### History

#### page 9

-Achaemenid Engineers Constructed Pasargadae to Withstand Seven Richter Scale Earthquake

### Humanity

#### page 10

-Company Helps Ancient Persian Art Survive

### General

#### page 11

-Cyrus the Great Cylinder Arrives in Tehran

-Ancient Underground City Unearthed in Western Persia

#### page 12

-Love of Zoroastrians for Flowers and Gardens

#### page 14

-12th Zoroastrian Games July 2010, California State University, Long beach

California Zoroastrian Center  
Zoroastrian Journal  
Chase Bank  
Account #421-334675-6



## The Zoroastrian Journal

No.16

Publish: Quarterly

Fall 2010

Topics:

Religions, Culture, Social, Science,  
History, News...

### Senior Editors

Mehrdad Mondegari

Shahrooz Ash

Orang Demehry

### Assistant Editor

Roya Waltman

### Authors/Writers

Dr. Niaz Kasravi

Mobed Behram Deboo

Masood Partovi

Kourosh Ziabari

Atoosa Sepahbod

Mostafa Mousavi Sabet

Nasrin Ordibeheshti

### Director and Publisher:

California Zoroastrian Center

A Non Profit Organization

### Type and Design:

Roxana Kavosi

### Special Thanks to:

Mr. Orang Demehry

### Printed By:

LA Web Press

### Distribution By:

Mr. Vahik A.

**Email:** [info@CZCJournal.org](mailto:info@CZCJournal.org)

**Tel:** 714 -893 -4737

**Fax:** 714 -894 -9577

[www.CZCJOURNAL.ORG](http://www.CZCJOURNAL.ORG)



## CALIFORNIA ZOROASTRIAN CENTER

8952 HAZARD AVENUE

WESTMINSTER, CA 92683

U.S.A.

**(714) 893-4737 Fax (714) 894-9577**

[www.czc.org](http://www.czc.org)

*Email: [info@czc.org](mailto:info@czc.org)*

---

**Ahura Mazda [Wise Lord] is the Zarathushtrian God.  
Zarathushtrians believe in Good Thoughts, Good Words and Good Deeds.  
Asho Zarathushtra Spitaman is our prophet and teacher.**

The Zarathushtrian sacred text is called the Avesta. The five Gathas in the Avesta are the very divinely inspired words of Asho Zarathushtra, the holiest of the holies. The Zarathushtrian religion is the oldest monotheistic religion in the world, dating back to the fourth millennium. According to Zarathushtra there is only one God. True Zoroastrians follow the path of Asha [Righteousness]. Our religion teaches us to respect these four elements; Water, Fire, Air and Earth. Zarathushtra says that the divine is present within each one of us and in all things. This divine flame should not be contaminated, but sustained by good thoughts, good words and good deeds. In the Avestan text Yasna 17.11, Zarathushtra expresses his beautiful thought by speaking of the fire in all things, the fire within each one of us. If the divine is present in all of us, then one must accept that Humans are divine. In fact all beings with life are a divine creation of the creator. Zarathushtra is the first person to advocate freedom of choice; in the Gathas it is stated that Ahura Mazda made us such. This is why Zarathushtra is known to be the father of free will.

'Zoroastrianism is the oldest of the revealed world religions, and it has probably had more influence on mankind, directly and indirectly, than any other single faith.' - Mary Boyce, *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices* (London: Routledge and Kegan Paul, 1979, p. 1)

GOOD THOUGHTS



# The **ZOROASTRIAN** Journal

Issue 16

Fall 2010/ 3748 Zoroastrian Calendar

**cover story:**

**From Plight to Passion**

**Other Topics:**

**Ferdowsi, the reviver of Persian language**

**Company helps ancient Persian art survive**

**Cyrus the Great Cylinder arrives in Tehran**

